

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلقها

چهارشنبه ۱۹ دیماه ۱۳۵۸

۱۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۱

افشای سرمایه داران لیبرال، در پیشگاه خلق



درگردهایی روز جمعه ۱۴ دی ماه در دانشگاه پلی تکنیک بیش از صد هزار نفر شرکت داشتند. مردم با شجاعت تحسین انگیزی در مقابل مهاجمین ایستادگی کردند و آنها را به عقب راندند.

به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تظاهرات و راهپیماییهای ضد امپریالیستی در سراسر ایران برگزار گردید، گزارش مشروح این تظاهرات به دلیل کمبود جاد در شماره آینده "گار" خواهد آمد.

جمعیتی بود که تاکنون در میتینگهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آمده بود. گستردگی جمعیت بهانگبر استقبال بی سابقه عناصر انقلابی از میتینگ افشاگران سازمان بود. نیروهای انقلابی از جمله در دو طرف خیابان حافظ به شکل فشرده و منظم قرار گرفته بودند و با دادن شعارهای مرگ بر امریکا و مرگ بر امریکا و "استیاد جمعیت روز جمعه بیشتر"

سیا می داد. این اسناد نشان می دهد که چگونه محافل و احزاب سرمایه داری لیبرال با حمایت امپریالیسم امریکا علیه خلقهای ایران بسیج می شوند. استقبال مردم از این میتینگ بی سابقه بود. بطوریکه یک ساعت پیش از آغاز میتینگ انبوه جمعیت در دانشگاه پلی تکنیک موج می زد. خیابان حافظ نیز که در برابر دانشگاه پلی تکنیک قرار دارد مالا مال از جمعیت بود. جمعیت روز جمعه بیشتر

امپریالیسم ماوراء طبقات قرار ندارد

رویدادهای روزهای اخیر، پرده تازمای از تضادات طبقاتی کنونی را به نمایش گذاشت و چهره بازم روشن تری از طبقات متخاصمی که بر سر تحکیم قدرت سیاسی در صحنه نبرد رویاروی قرار گرفتند ترسیم کرد. در مرکز این رویدادها، وقایع قسم و تهریز قرار دارد.

هنوز کسان بسیاری نتوانستند مضمون طبقاتی آنچه را که در قم و تهریز اتفاق افتاد دریابند. هنوز کسان بسیاری آنچه را که در قم و تهریز اتفاق افتاد نمائشی می شناسند که فقط برای سرگرمی توده های میلیونی توسط آیت الله خمینی و شریعتمداری بقیه در صفحه ۴

زندگی استالین تجلی خشم و مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه داری و امپریالیسم جهانی

به مناسبت یکصدمین سال تولد رفیق استالین

گردانندگان حزب جمهوری خلق مسلمان و نمایندگان آیت الله شریعتمداری در تهریز برای حفظ رژیم شاه یک میلیون تومان از ساواک دریافت کردند

سندی که در زیر آمده است نشان می دهد که سه تن از فعالان حزب جمهوری خلق مسلمان و نمایندگان آیت الله شریعتمداری در تهریز، حتی یک ماه پیش از قیام بهمن ماه با ساواک همکاری نزدیکی داشتند. این عناصر در روزهایی که مردم قهرمان آذربایجان با سینه های سپر کرده خود به استقبال توپ و تانکارتش آریامهری می رفتند، در روزهایی که فرزندان دلاور آذربایجان به دست جلادان ساواک و به دستور امپریالیسم امریکا به شهادت می رسیدند، در روزهایی که کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان آذربایجان با شعار بقیه در صفحه ۱۱

"استالین" برای انقلابیون کمونیست جهان، نامی درخشان رهبری بزرگ و کمونیستی عمیقاً وفادار به طبقه کارگر و ارمان کونیم است.

افشای و طرد عناصر سازشکار هیئت مدیره ندیکای مستقل کارگران خیاط تهران و حومه

نقطه عطفی در مبارزات کارگران این صنف است

انتخابات دمکراتیک هیئت مدیره و بازرسین ندیکای مستقل کارگران خیاط تهران و حومه در ۱۶ آذرماه نقطه عطفی در مبارزات کارگری این صنف است. افشای و طرد عناصر سازشکار از هیئت مدیره، انتخاب کارگران مبارز و آگاه برای اداره امور ندیکا و تصویب طرح اساسنامه پیشنهادی شان، از مهمترین نتایج این انتخابات بود.

ما کوشش خواهیم کرد که در مقاله بطور احتمالی وضعیت ندیکا و فعالیت های آن را از ریان تشکیل ماکون و همجسی رمیبه و علل پیروزی نمایندگان واقعی کارگران در انتخابات طرد و شکست سازشکاران را در چارچوب وضعیت کلی سد خیاط

تهران و نحولات دروسی ندیکای آن بررسی کنیم.

وضعیت کلی صنف خیاط تهران -۱- خصلت تولید پراکنده و محدود (کارگاهی) حدود ۱۰ هزار کارگاه خیاطی در تهران و حومه وجود دارد که بقیه در صفحه ۳

در این شماره:

کارنامه تنگین یکساله دوستان امپریالیسم امریکارا مرور کنیم در صفحه ۵

بررسی این اسناد نشان می دهد

اهداف احزاب و محافل بورژوازی لیبرال همان اهداف امپریالیسم امریکا است در صفحه ۶

مبارزه طبقاتی را باور کنیم در صفحه ۸

یاد رفیق کاظم شهیدی ثالث کارگر رزمنده ریمینوگرامی باد در صفحه ۹

نابود باد سرمایه داران لیبرال

امپریالیسم ماوراء...

بقیه از صفحه ۱

صحنه گردانی می شود. از این رو تعمق در این رویدادها می تواند با را در شناخت وضعیت کنونی و وظایف انقلابی که بر عهده داریم پاری دهد.

آنچنانکه در شماره قبل گفته بودیم، دامنه مبارزه طبقاتی در جامعه عمق و وسعت می یابد و توده ها درمی یابند که مبارزه با امپریالیسم، مبارزه با عنصری موهوم و خارجی که ماوراء طبقات قرار دارد نیست، آنان کم کم، در مبارزات سیاسی خود پیوندهائی را که بین طبقه سرمایه دار ایران با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا وجود دارد تجربه می کنند و متوجه می شوند که تا چه میزان این با آن جریان و شخصیت سیاسی پنا مذهبی، بسته به این که علایق و منافع طبقاتی کدام یک از گروههای مردم را بیان می کند از پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی به درجات مختلف استقبال می کند و با از آن هراسناک است. آنها بر اساس تجارب سیاسی روزمره خود، درمی یابند که چه منافعی را در پیشبرد مبارزه با امپریالیسم آمریکا می توان تعقیب کرد و در روند این مبارزه است که شرکت فعال انقلابیون کمونیست آهسته، آهسته، نمود خرد بورژوازی را که اذهان توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان را آلوده ساخته است پاک می کند و وجدان و شعور طبقاتی را، جایگزین خرافات و موهومات خواهد ساخت.

امروز در چشم انداز سیر تحولات سیاسی، آسانتر از گذشته می توان ماهیت بلوک بندی های سیاسی را که در حال تکوین است مشاهده نمود. به همان میزان که انقلاب تعمیق می یابد، صف بندی های طبقاتی و بطور ناگزیر بلوک بندی های سیاسی بطور متمایزتری تکوین پیدا می کند. یکبار دیگر این اصل عام مارکسیستی در جامعه در حال تحول ما نیز مصداق یافته و اثبات می گردد که پایه های تعمیق انقلاب، ضد انقلاب نیز آفزرده تر و شکل گرفته تر، در عرصه مبارزه طبقاتی رخ می نماید. نتیجه ناگزیر این تحول عینی، فروپاشی و سائیده شدن هر چه بیشتر دگم هایی است که در ظاهر دیرپا و پابرجا می نمود. این پدیده در عرصه های و زمینه های گوناگونی قابل بررسی است. بدون شک در سطح توده های وسیع مردم آن سیاستی که کوشش می کند طبقات و گروه های اجتماعی متفاوت و متخاصم اجتماعی را، علیه منافع متضاد طبقاتی شان زیر پوشش "امت مسلمان" گرد آورد، آسیب های جدی خواهد دید و باورهای بدین گونه رفته رفته زایل خواهد شد و واقعیت های سخت و زنده جایی برای بقای بی چون و چرای آن نخواهد گذاشت. روند بطور عینی در حال گسترش مبارزه طبقاتی این چشم انداز را به حقیقتی غیر قابل انکار مبدل خواهد ساخت.

بورژوازی لیبرال، که از حمایت بی دریغ امپریالیسم آمریکا برخوردار است، خود را برای رویارویی هر چه بیشتر با مردم آماده می سازد و با تمام قوا می کوشد هم از طریق فشار از بالا و هم تا آنجا که برایش امکان پذیر باشد، از طریق بسیج توده ای و بهره گیری از انرژی توده ها از نمایندگان سیاسی خرد بورژوازی "بهم شیر" بیشتری طلب کند. در کشاکش این درگیری های طبقاتی که بسیار چیزها فرو می ریزد و چیزهای تازه ای تکوین پیدا می کند، انقلابیون کمونیست هرگاه نخواهند خود را به مبارزه بطور عینی در حال گسترش متکی سازند و در برنامه و تاکتیک نقشه های خود تنها به بافته های ذهنی خود اتکا داشته باشند، به اعتبار جدانشان از واقعیت عینی قادر به هیچ تغییر انقلابی در مبارزات توده ها نخواهند شد و راه را برای بکه تازی امپریالیسم و بورژوازی لیبرال باز خواهند گذاشت. چنین سیاست هایی که بر واقعیت زنده متکی نباشد، روز بروز دامنه چدائی جنبش کمونیستی ایران را از طبقه کارگر و متحدین طبیعی آن در انقلاب دمکراتیک توده های گسترده تر ساخته و قابل عمیق تری را بین پیشرو انقلابی و توده های پرولتر و غیر پرولتر موجب خواهد شد.

شرکت انقلابیون کمونیست در مبارزه طبقاتی که در روز گسترش بیشتری می یابد، هرگاه با تجهیز به سیاست مستقل پرولتاریائی صورت گیرد و هرگاه قادر باشند برنامه و سیاست خود را از برنامه و سیاست خرد بورژوازی متمایز ساخته و بر این تمایز آنچنان تاکید و وزند که توده های خرد بورژوازی نه تنها خود را متحد پرولتاریا به حساب آورند بلکه بهروزی خود را در رهبری آن بچوبند. امکان این کاملاً وجود دارد که توده های سیاسی توده ها به وجود می آید، به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران بر سازند و رهبری طبقه کارگر را در سطح جنبش خلق اعمال نمایند، به شرط آن که بر این گفته های داهیانه مارکس عمیقاً توجه داشته باشند که: "هیچ طبقه ای در جامعه مدنی نمی تواند این نقش را ایفا کند مگر این که مرحله ای از شور و شوق در صفوف طبقه خود و توده های مردم به وجود آورد. مرحله ای که طی آن، طبقه آزادیبخش افراد جامعه را بطور کلی با هم برادر ساخته و با آن می آمیزد، با جامعه هم ذات و یگانه می شود، به عنوان نماینده کل جامعه پذیرفته شده و به رسمیت شناخته می شود و تقاضاها و حقوق خاص آن واقعا تقاضاها و حقوق خود جامعه شمرده می شوند و در حقیقت، مفر اجتماعی و قلب اجتماعی به حساب می آید."

مردم در تظاهرات هفتم و چهارم تختی فریاد می زدند: زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته

عضویت تیم ملی کشتی درآمد. تختی در عرصه کشتی به پیروزی های درخشانی در سطح جهانی دست یافت ولی فوتی و توضع، صداقت و مهری انسانی و وفاداری او به توده های زحمتکش بود که از او یک قهرمانی ملی و "جهان پهلوان" ساخت. موفقیت در کشتی هیچ گاه نمی توانست برای او تنها هدف به حساب آید. بلکه او همیشه در فکر زحمتکشان و یافتن راهی برای بهبود زندگی آنان بود. توده های زحمتکش او را از خود می دانستند، زیرا تختی از آنان بود و هرگز به طبقه خود پشت نکرد. او پس از زلزله بوئین زهرا فریاد زده بود: "چرا باید مردم روستائیی مملکت به خاطر نداشتن منازل بهتر این چنین زیر خروارها خاک جان سپارند." تختی در ۱۷ دی ماه ۱۳۴۶ در اتاق هتلی به وسیله ساواک شهید شد. ولی پس از انتشار خبر مرگ او، آنچه که رژیم همیشه از آن بیم داشت، اتفاق افتاد و در شب هفت و چهارم تختی تظاهرات وسیعی به خاطر بزرگداشت خاطره او و مخالفت با رژیم صورت گرفت که دانشجویان در سازماندهی آن نقش فعالی داشتند. مردم شعار می دادند: "دروغ ننگین سال، خودکشی قهرمان"، "زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته"، "فرزند زحمتکشان، کشته به دست گرگان تختی درود بر تو". تختی همیشه می گفت: "آنچه در زندگی بیش از همه برایم ارزش دارد نه مدالها و پیروزی هایم، بلکه محبتی است که توده مردم نسبت به من دارند." علامه تختی از میان توده ها برخاست، با آنان زیست و همبست به آنان وفادار ماند. یادش گرامی باد

فدائیان خلق در زندان جمهوری اسلامی

هنوز چند هفته از قیام خلق های ایران نگذشته بود که صدیق ترین نیروهای انقلابی ایران خود را حلات دولت موقت انقلابی روبرو دیدند. خیلی زود سازمان های تبلیغاتی علیه انقلابیون ایران به راه افتاد و به پراکندگی صفوف خلق دامن زدند. سیاست های سرکوب و سلب حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی توسط رهبری انقلاب، دولت بازگان، شورای انقلاب و عناصری که نقش موثری در ادامه امور برعهده داشتند، هر روز دامنه گسترده تری یافت. زندان ها در کنار عایشین و وابستگان به رژیم پهلوی و امپریالیسم جهانی، نیروهای مبارز و انقلابی را نیز در خود جای دادند. هنوز خون شهدای مانده بود که در میدان های اعدام به همسراه کشتار خلق های ستمدیده ایران فدائیان خلق به جوخه های پاسداران انقلاب اسلامی سپرده شدند.

امروز دلایل پیشبرد چنین سیاست هایی رفته رفته برای توده های میلیونی آشکار می شود. هم اکنون تعداد زیادی از هواداران سازمان در زندان های اوس (و شاید زندان های دیگر) دربارداشت به سر می برند. هرچند در شرایط کنونی سیاست های امپریالیستی، ارجحی و ضد دمکراتیک نا حدی کاهش یافته است، اما صدیق هیئت حاکمه با نیروهای انقلابی و مبارز که ناشی از ماهیت آن است ارقام ناگون درهم میسازد و رانسان داده است. بهانه های گوناگون شده به حاشه های رفقای ما بوس می برسد و آنها را بازداشت می کند. بسیاری از طول های انفرادی زندان "اوس" که در رژیم شاه سرکچه گاه بسیاری از افراد مبارز و انقلابی به ستار می رفت، هم اکنون سر بسیاری ازان نیروها را در خود جای داده است که اکثر آنها را هواداران سازمان ما تشکیل می دهد. عدم یادی از این رفتارها بدون آنکه آریا حسی به

خانواده شان رسیده باشد، ماه ها است در این سلول ها گناه داشته اند. جراح محمد رضا سعادت می سازمان مجاهدین خلق ایران هنوز آزاد نشده است؟ چه دلیل و سا کدام قانون نیروهای انقلابی را ماه ها بلا تکلیف در این زندان ها و در کنار عناصر ساواک و مزدوران شاه بازداشت کرده و شکنجه می نمایند؟

حتی قانون اساسی ارتجاعی مصوبه در مجلس خبرگان هم چنین اعمال وحشانه را "مجاز" ندانسته است. افشای سیاست های ضد دمکراتیک و ضد مردمی که به کار گرفته شده و می شود، حقایق را برای توده های میلیونی بازگو نماید. آنچه که در زیر می خوانید گزارش یکی از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران است که به هیئت تحریریه کارگزاران شده است.

من محسن یکی از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران به اتفاق یکی از رفقا در شب ۲۳ آبان ۵۸ در حوالی خیابان قصرالدست منعول بخش اعلامیه بودیم که با ما موران گشته روبرو شدیم. پس از تقبلیت بدنی، آنها را فقط به اعلامیه از ما گرفتند. سه محض بدین آرم سازمان باکتیک ما مورس گشته در همان محصل دستگیری روبرو شدیم. بعد ما را به گمشه مسفل کردند. در آنجا ما دوسن از رفقای دستگیر شده دیگر که به خاطر همراه داشتن کلبه سازمان بدوشن شعار روی دیوار بازداشت شده بودند، در داخل کلبه رسد طرز وحشانه ای به ما حمله کرد. ما را به باد کتک گرفتند. شب در کلبه بازداشت بودیم. صبح ما را به دادسرای اوس مسفل کردند. در آنجا مورد بازجویی قرار گرفتیم و به پرورداد سیاسی بازداشت شدیم. در بازجویی هایی که در دادسرای اوس آمد، مشخص بود که نحن بازجو که ادا سجویان راه فارع الحصل و مدهمی معصت بود، هرچه می پرسید

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

برحاسته از کینه های شخصی نسبت به سازمان بود. بعد ما را به اوس مسفل کردند. ما را به سلول های انفرادی که بازمانده رژیم سابق بود، انداختند. در آنجا متوجه شدیم که تنها سیستم و رفقای زیادی در آنجا هستند که همگی از هواداران سازمان بودند. در اوس به خاطر خواندن سرود چشمان مرا بسته، ما را به باد کتک گرفتند و بار دیگر به خاطر تماس و صحبت کردن با اول بغلی بازکتک فمطلی بد من زدند. رفتار مسئولان زندان با ما رفتار یک زندانی و زندانیان نبود، بلکه رفتار یک دشمن سا اسیر جنگی بدتر بود. در تمام طول مدت در اوس ما بریخ بودیم و این به خاطر سرمای بیش از حد سلول ها و پوتی کم بود. در آنجا رفقای بودند که ما را به خاطر بخش اعلامیه، در سلول انفرادی به سر می بردند. حدود ۲۰ روز در سلول های انفرادی بودیم بعد ما را به سلول های انفرادی دو نفره مسفل کردند. قبل از این که مسفل شویم ده تراز کارگران سکار راه اوس آوردند و در همانجا که ما بودیم بازداشت کردند. رفقای کارگرونی دیدند که تنها هستند خیلی خوشحال شدند. پس از ورود آنها بود که سبل سرود و شعار سراسر بند را فریاد کرد. رفقای هوادار دیگر از کتک و فغانی ما موران برسی نداشتند. پس از ۲۳ روز بازداشت در اوس ما را به اولین حمله بازجویی بردند. در بازجویی از وزن کتک، ولی به طرز شدید، خودداری می کردند. ما را حمله محصور شدند به خاطر شعار دیوار دیواره بر مسفلان ما را آزار می دادند. ولی هم اکنون در اوس تعداد زیادی از مبارزان و کارگران در بازداشت به سر می



افشاء و طرد عناصر سازشکار هیئت مدیره سندیکای مستقل کارگران خیاب تهران و حومه

بقیه از صفحه ۱

نقطه عطفی در مبارزات کارگران ...

شد که کارگران از هیئت مدیره سندیکا بخواهند تا اعلامیه ای صادر نموده و این عمل "فرصت طلبانه" را افشاء و محکوم نمایند. ولی عدم موضعگیری قاطعانه هیئت موسس و فضاکار کارفرما و هیئت مدیره سندیکای بافنده سوزنی و هیئت تدارک سندیکای کفایش باعث جلوگیری از صدور این اعلامیه شد. این راهپیمایی از یک سو ضربه ای قاطع بود بر عناصر سندیکالیست هیئت موسس و از سوی دیگر خود سندیکا را نیز تضعیف نمود. عده ای از عناصر وابسته به حزب جمهوری اسلامی که از رشد و گسترش کمی سندیکا به وحشت افتاده بودند با بهانه قراردادی،

خود در پاسخگویی به نیازهای مبرم و خواستهای عاجل کارگران نمود. از ارائه برنامه عملی جهت تحقق اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سندیکا عاجز ماند. این ضعف هیئت موسس و به ویژه ناتوانی دیدگاه سندیکالیستی در حل مسائل در نهایت به بن بست رسیده و به انحراف بیشتر و جدی تر کشیده شد. آنچنانکه با هراس از

کارفرمایان سعی کردند از طریق خود کارگران شکافی بین آنها بوجود آورند. با افزایش کارگری، امکان هرگونه مقاومت دسته جمعی را از آنان سلب نمایند. به همین مناسبت "شورای اسلامی کارگران خیاب" را که ظاهراً یک تشکل کارگری ولی عملاً تحت اداره کارفرمایان است در آبان ماه اسامی به وجود آوردند. این برنامه نیز با عدم استقبال کارگران صنف مواجه شده و تاکنون موفقیت چندانی نداشته است.

در آن تضعیف نموده و کاهش می دهد. بر چنین زمینه مادی بود که جو ناشی از فشار پلیسی و اختناق رژیم شاه و همچنین نفوذ دیدگاههای سازشکارانه "تودهای" در تشکیلات سندیکایی اصراف طی سالهای گذشته، ایجاد یک تشکیلات واقعی کارگری را در این صنف ناممکن ساخته بود. ولی طی یک سال اخیر درک ضرورت تشکیل کارگران، رشد کیفی قابل ملاحظه ای یافته است.

ب تشکیل کارفرمایان:

استاد کاران و کارفرمایان با داشتن اتحادیه قادر به تصمیم گیری دسته جمعی در مقابل کارگران بوده و با حمایت از سوی دولت و با سوءاستفاده از ناآگاهی و عدم تشکل کارگران، جلسوی هرگونه حرکت حق طلبانه کارگری می گرفتند. آنها در طی ماههای اخیر در ایجاد تازه تیری چون گذشته همان منافع را تعقیب می نمایند. آنها هم با تحریک و تقویت انگیزه های سنتی و بسا سوءاستفاده از عواطف مذهبی کارگران در چارچوب جو مذهبی

متجاوز از ۳ هزار کارگر در رشته های مختلف از قبیل سربازی، دوزی، شخصی دوزی، پیراهن دوزی، مروس دوزی، بهمگانه دوزی، افبوری دوزی زنانه و مردانه و... در آنها به کار تولید مشغولند. اکثر کارگاهها (به ترتیب سابقه و قدمتشان) در مناطقی مانند بازار ناصر خسرو، باب همایون، لاله زار محدوده راه جمهوری و قسمتی از خیابان مصدق واقع اند که بخش قابل توجهی از کارگران خیاب را جذب نموده اند. اکثریت کارگران خیاب در شرایط بسیار دشواری در کارگاههای کوچک نیروی کارشان را عرضه می کنند. تعداد کارگران این قبیل کارگاهها معمولاً بین ۲ تا ۱۰ نفر است و تعداد قلیلی از کارگران در کارگاههای بزرگتری که بیش از ۱۰ کارگر دارد، کار می کنند. ترکیب اجتماعی تولید، در چارچوب تولید غیرمتمرکز و محدود، تقسیم کار اجتماعی ساده و روابط سنتی خرده بورژوازی موانعی جدی در جهت مبارزه اجتماعی کارگران حول تشکیلات مستقل کارگری ایجاد می نماید. هنوز آنچنانکه باید سنت های خرده بورژوازی مبارزه کارگران (مبارزات انفرادی و...) جای خود را به سنت های نوپسین مبارزاتی (مبارزه اجتماعی - لبقاتی کارگران) نداده است.

۲- نازل بودن سطح آگاهی:

اکثریت عظیمی از کارگران خیاب بی سوادند و تنها اقلیت ناچیزی از آنها قادر به خواندن و نوشتن در سطح ابتدایی هستند. پایین بودن سطح آگاهی کارگران کارگاه های حوالی بازار و نقاطی که روابط سنتی کارگاهی بیشتر در آنها حفظ شده است، همچنین در کارگران شاغل سربازی ها بیشتر از دیگر کارگاهها به چشم می خورد. در مورد کارگران سربازی این مسئله ناشی از عدم ارتباط آنها با محیط خارج از کارگاه است که خود نتیجه طولانی بودن زمان کار آنها می باشد. ولی بطور کلی تسلط جزو روابط سنتی پدرسالارانه سنتی بر بهره کشی استادکارها و کارفرماها در محیط کارگاهها حائز اهمیت است. در بسیاری از این کارگاهها هنوز کارگران آنچنانکه باید از حلقه روابط سنتی رهائی نیافته اند. هنوز کارگر (قبل از همه) در رابطه با استاد کار شناخته می شود تا در ارتباط با کارگران دیگر. و به همین دلیل سندیکا چندان شناخته شده نیست. ناآشنایی بالنسبه قوی روابط سنتی، خط و مرز طبقاتی را همور که هنوز است از هاله ابهام بیرون سپارده و کاملاً آشکار و عریان نکرده است.

۳- عدم تشکل کارگران:

پراکندگی ناشی از خصلت تولید کارگاهی (که عمدتاً متکی بر ابزار سنتی است)، تسلط قابل توجه روابط سنتی و نا درجه هینی امکان و توهم "ارتقاء" و جایجایی طبقاتی کارگران در اینگونه فعالیت های تولیدی، زمینه شکل پذیری و طرفیست سازمان باسی گسوده و متحرک را

مخالفت های آشکار با اعتراضات حق طلبانه کارگری و حتی رد پیشنهادات تشکیل صندوق اعتصاب و محکوم کردن هر نوع اعتصابی، سازش با کارفرماها و خلاصه معاشات با وزارت کسار در همه زمینه ها به قیمت دریافت چند فقره وام کارگری و نومنمای می گویند تا علم سازشکاری و فرصت طلبی را بر بام سندیکا برافرازند.

راهپیمایی اول ماه مه "در مسیر دعوت" شده به وسیله توده ای ها و در آن در روزنامه "مردم" خواستار برکناری مسئولین هیئت موسس و انحلال سندیکا و برپایی سندیکای اسلامی به نام "سندیکای اسلامی کارگران خیاب" شدند و در راه رسیدن به آن از احساسات مذهبی کارگران نهایت سوءاستفاده را نمودند. ولی بجز موفقیتی که در مورد برکناری هیئت موسس نصیبان شد، موفق به اجرای قسمت دوم نقشه یعنی انحلال سندیکا نشدند.

فرمیت ها که در این جریان خود از محرکان برنامه فوق بودند، با موضع گیری های مودبانه شان، به صورت یکسوت در مقابل حطرات عناصر متعصب مذهبی و گاه تأکید حرکات آنها و منحرف کردن جهت انتقادات از خودشان به سمت عناصر سندیکالیست و مقرر جلسه دادن آنها، فرصتی برای تخفیف جو ضد "توده ای" و توجیه حرکات خود یافتند. آنها در هم آوازی با عناصر متعصب در این جریان، گوی حرکتی ضد کارگری را حتی از خود آنها نیز بردند.

این هماواری و خوش رکبسی اداره امور سندیکا را برایشان به ارفغان آورد. ولی در جریان این درگیری ها که مدتی حدود یک ماه پس از راهپیمایی اول ماه مه، ادامه داشت، بسیاری از کارگران را از چنین سندیکایی روی گردان نمود. چرا که عملاً با مشاهده صحنه سازی های پید شده یا موضع ضد سندیکایی پیدا می کردند یا با دست کشیدن از فعالیت های سندیکایی، عملاً به انفعال کشیده می شدند. تا بدانجا که تعداد کارگرانی که در جلسات کنفرانس عمومی شرکت می کردند از حدود ۲۵۰ نفر به ۱۰۰ نفر کاهش یافت. هیئت مدیره موقت سندیکا جهت اجرای سیاست های خود در زوین سندیکا با مخالفت های جدی کارگران آگاه و مترقی مواجه می شد. ولی بعلمت

بقیه در صفحه ۴

حرکت های اعتراضی و اعتصابات کارگری، به تبلیغ عدم شرکت در آن پرداخت و از آنجا که یک جریان قوی و پیشروی کارگری در سندیکا هنوز شکل نگرفته بود، این امر موجبات تقویت سنت فرصت طلبان و سازشکاران شد. این جریان موفق گردید بسا سوءاستفاده از تضاد بین بخشی

اعضای هیئت موسس عموماً و عناصر سندیکالیست خصوصاً هیچ برنامه عملی و شعار مشخصی که پاسخگوی خواست های کارگران باشد نداشت. در عوض با طرح شعارهایی نظیر "ریشه کن کردن استثمار فرد از فرد از طریق سندیکایی" سعی در لاپوشانی ناتوانی های خود در پاسخگویی به نیازهای مبرم و خواست های عاجل کارگران نمود.

از کارگران سندیکا با عناصر سندیکالیست هیئت موسس، سیاست رفرمیستی "توده ای ها" را جایگزین حرکات سردرگم سندیکالیستی نماید و مجال به انحراف بیشتر کشانیدن حرکت های کارگری را پیدا کند. این عناصر با برخورداری کاربرد (که در به انحراف کشیدن طبقه کارگر تجربیات فراوانی دارد) و با سازماندهی امکانات خویش توانستند حضور خویش را چه در

حمایت سندیکایی از آنها، در زمینه ارائه رهتود و کمک های مالی، سکوت در مقابل اخراج کارگران، استفاده نکرده از امکانات تبلیغاتی از قبیل بخش اعلامیه و تراکت و انتشار نشریه عدم موضع گیری مناسب و قاطعانه در مورد مسئله "راهپیمایی اول ماه مه" و غیره همگی نشانه عدم درک هیئت موسس از لزوم برقراری ارتباط فعال بین کارگران و بین هیئت مدیره و صنف بود. پس از قیام، اعضای هیئت موسس

پس از قیام هم با استفاده از کمک های فکری استادکارانی که خود در گذشته کارگر و آشنا به مسائل کارگری بوده اند این منافع را تعقیب می کنند. بخصوص نقش استادکاران اخیر در فریب کارگران قابل توجه است. بعضی از اینها با استفاده از "رهتودهای" سیاسی "توده ای ها" کمک های بی دریغ فکری خود را در خدمت اجرای سیاستی "متین و واقع بینانه" درمی آورند. به همین دلیل ما شاهد گره خوردن رفرمیسم خرده بورژوازی "توده ای ها" با منافع خرده بورژوازی استادکاران هستیم و این دو سیاست "واقع بینانه" واحدی در مقابل کارگران ایجاد می کنند. این دو سعی می کنند فعالیت های کارگری را در چارچوب منافع اتحادیه کارفرمایان محدود و منحصر نمایند. در بی تحمق این سیاست در فروردین ماه اسامی، کارفرمایان بازار یک باره به فکر کارگران خویش افتادند و صمم به شکل سندیکای متحرک کارگران و کارفرمایان گرفتند و با اعلام این که "کارگران و

از نتایج مستقیم فعالیت کارگران آگاه و پیشرو ارتقاء سطح مبارزاتی سندیکا بود که ضربه ای کوبنده بر پایه عناصر فرصت طلب و رفرمیست درون سندیکا وارد کرد و رشد سریع جریان پیشروی کارگری و زوال بیشتر جریان منحرف و سازشکار، صفت بندی نیروهای درون سندیکا را تسریع کرد.

عموماً و عناصر سندیکالیست خصوصاً با استفاده از شرایط نیمه دیکتاتور حاکم بر جامعه تبلیغات نسبتاً وسیعی جهت جذب کارگران به سندیکا نموده و در این امر سر تا حدی موفق شد. ولی در مقابل افزایش نفصاهای کارگران جهت عضویت در سندیکا هیچ برنامه عملی و شعار مشخصی که پاسخگوی خواست های کارگران باشد نداشت در عوض با طرح شعارهایی نظیر "ریشه کن کردن استثمار فرد از فرد از طریق مبارزه سندیکایی" سعی در لاپوشانی باوایی های

کارفرمایان همه سمععد "سعی در تحمق هرچه بخر کارگران نمودند. دعوی به عمل آمد و جلسهای در مسجد بروی شکل شد که با مخالفت کارگران آگاه اس تلاش کارفرمایان به سکس انعامند. پس از این سکس،

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان (نمست سوم) علیه شرکت های امپریالیستی در جنوب

بقیه از صفحه ۲ افشاء و طرد عناصر سازشکار هیئت مدیره سندیکای ...

شرکت کارگران حفاری در اعتصاب ساسی نفتگران، آگاهی طبقاتی آنان را افزایش داده، بطوری که این کارگران دیگر مبارزه با دیکتاتوری را از مبارزه امپریالیستی که ستمش را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند، جدا نمی دانستند. می توان گفت کارگران حفاری در تمام طول جنبش، بطور فعال شرکت داشتند.

فردای قیام خونین بهمن ماه که کارگران به سر کار برگشتند امید داشتند که دیگر زیر بار ستم امپریالیسم و مزدوران و وابستگان آن نباشند. اما تنها چیزی که عرصه شده بود این بود که فقط کارگران خارجی شرکت های امپریالیستی فرار کرده بودند ولی عمال دسته نشاندگان آنان مثل سابق، دستورات آنها را - این دفعه از بحرین و کویت و ... دریافت و اجرا می کردند کار همان کار بود و استعمار به همان شدت و قوانین کابری همان قوانین ضد کارگری رژیم سابق بود.

اما کارگران عوض شده بودند آنان در جریان جنبش دریافتند که بوند که تفرقه بزرگترین سلاح دشمن و اتحاد برنده ترین سلاح آنها است. کارگران به این نتیجه رسیدند که با وجود جابجائی مهرها، باید مبارزه را همچنان ادامه داده و در راه رهایی از استعمار در حلقه اول باید امپریالیسم را که مستقیماً با آنان رو در رو بود کوبید. بنابراین از همان هفته های نخست بعد از قیام، سمت گیری مبارزات کارگران حفاری، بر علیه امپریالیسم بود. از این رو بود که مصادره انقلابی کلیه اموال شرکت ها و تاسیس شرکت ملی حفاری نفت ایران مطرح و بتدریج عمده شد.

اما از آن سو، ایران پس از قیام، دیگر آن جزیره ثبات و امنیت برای امپریالیسم نبود. با وجودی که دولت موقت بازرگان در سمت گیری برای تامین شرایط مساعد جهت بازگشت سرمایه های امپریالیستی، تمام قوانین ضد کارگری گذشته را تأیید نمود، مبارزات کارگران راه را بر اجرای صد در صد آنها می بست. دولت موقت بنا بر ماهیست بورژوازی خویش به جای لغو قرارداد های غارتگرانه و مصادره انقلابی اموال شرکت ها، قرارداد ها را محترم شمرده و بر اساس آنها به شرکت ها پرداخت می کرده و فرصت داد که این شرکت ها با خیال راحت دست به اخراج کارگران زده و اموال خود را از ایران خارج کنند. در حالی که این اموال حق مسلم زحمتکشان ایران بود. زیرا چند برابر ارزش مجموع آن از جانب زحمتکشان ایران غارت شده بود. یکی از رسوایی شرکت های حفاری امپریالیستی در بحرین گفته بود که:

" ما فکر می کنیم هنوز شاه در

ایران حاکم است " اخراج کارگران و دزدیدن وسایل حفاری بوسیله شرکت ها و با حمایت دولت موقت و بارماندگان رژیم سابق در صنعت نفت، از فروردین ماه ۵۸ و از شرکت وسترن آغاز شد. برنامه این بود که برای جلوگیری از عکس العمل یکبارچه کارگران ورشد مبارزات آنان، توطئه اخراج آنان و خروج اموال شرکت ها نه بطور همزمان بلکه به تدریج فاصله های زمانی اجرا شود. اخراج کارگران شرکت حفاری وسترن با پرداخت وجهی در برابر سوابق هر یک و خروج وسایل و تجهیزات این شرکت از ایران، نخستین هشدار را به کارگران داد. اما هنوز کارگران آمادگی لازم برای اقدام جمعی نداشتند. در اردیبهشت ماه کارگران شرکت ستافه، اختاربه

اخراج خود را دریافت کردند خطر بیکاری و عدم امکان اشتغال، در شرایطی که میلیونها تن از هم زنجیرانشان بیکار بودند، آنان را وادار به مقاومت کرد. هنگامی که شرکت ستافه توانست با کمک ابادی امپریالیسم دکل بزرگ خود را از ایران خارج نماید، مقاومت کارگران شدت گرفت. طلبه داران حرکتات مقدماتی اعتراضی، کارگران شرکت های ستافه، بی چه B و سینی ریدینگ اند بیس بودند دولت با همدستی مزدوران امپریالیسم و به خواست شرکت ها، به اخراج کارگران کمک می کرد. لیکن با مقاومت روز افزون کارگران روبرو شد. کارگران پیشرو حفاری و همچنین کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب با تمام توان خود سعی در آگاهی هم زنجیران خود و نشان دادن لزوم اتحاد آنان داشتند. کارگران پس از مدتی و برای هماهنگی مبارزات خود تصمیم گرفتند نمایندگانی انتخاب نمایند. ولی نمایندگان کارگران در این دوره که در هر شرکت نام " کمیته امام " بر خود نهاده بودند با همدستی کمیته " کار و امور اجتماعی " در اهواز بر علیه کارگران توطئه چینی می کردند. دیری نگذشت که ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری این کمیته ها که تحت نفوذ عوامل ارتجاعی و فرصت طلب در اهواز بودند برای کارگران افشا شد و " نمایندگان " رسوا شدند. در نتیجه کارگران این کمیته ها را منحل و در هر شرکت یک شورای کارگری تشکیل دادند. این آغاز مرحله نویسنی در مبارزات کارگران بود.

مرحله های تازه از مبارزه:
کارگران پیشرو حفاری در این میان، با پخش اعلامیه ها و تراکت های خود، کارگران قهرمان حفاری را به اتحاد در راه مبارزه به هم پیوسته برای کار و بر علیه امپریالیسم دعوت کرده و خواست های زیر را مطرح کردند:

حلوگیری از بیکاری کارگران، ملی شدن واقعی کلیه اموال شرکت های امپریالیستی حفاری و خدمات جنبی و تاسیس شرکت ملی حفاری نفت ایران. این خواست ها به سرعت به شعارهای اتحاد کارگران تبدیل شد و مبارزات آنان اوج گرفت. اوج مبارزات، توطئه های امپریالیسم و مزدوران داخلی آن را بر علیه کارگران مشعل توطئه ربودن دکل حفاری شرکت ریدینگ اند بیس - ناکام گذاشت. با وجودی که به خاطر تفاوت قراردادها و اختلاف زمانی توطئه اخراج کارگران، مبارزات آنان در ماه های نخست پس از قیام پراکنده و جدا از هم بود. ولی حرکت انقلابی کارگران هر شرکت، دیگر کارگران حفاری و خدمات جنبی را نیز به میدان مبارزه می خواند. آنان به خاطر این که در بیکاری همزمانشان بیکاری و سرگردانی خود را در آینده نزدیک می دیدند، به صحنه مبارزه کشیده شدند. در این مبارزه از تجربیات طلبه داران مبارزه بهره می گرفتند. به این ترتیب جنبش کارگران حفاری به تدریج رشد کرد و مبارزه در دو جبهه - یکی جبهه مبارزه بر علیه امپریالیسم از راه مصادره انقلابی اموال شرکت ها و دیگری جبهه مبارزه برای تاسیس شرکت ملی حفاری - ادامه داشت. به تدریج کارگران اداره شرکت ها را در دست گرفتند. در شهر بومیه مبارزه کلیه شرکت های حفاری و خدمات جنبی را در بر گرفت. دولت مرکزی که از این امر و گسترش مبارزه کارگران احساس خطر می کرد، هیئتی را به ریاست کاظم مهدوی (عامل امپریالیسم نوکر عبدالله انتظام مدیر عامل صنعت نفت در دولت نظامی از هاری) به اهواز فرستاد. ضرورت مقابله با دسیسه های امپریالیسم و دیگر کارگزاران امپریالیسم و عوامل ارتجاع در منطقه، کارگران را وادار کرد تا با ادغام شوراهای خود، دست به تشکیل کانون شوراهای حفاری و خدمات جنبی بزنند. نتیجه مذاکرات هیئت اعزامی دولت با کانون شوراها، از پیش معلوم بود. هیئت اعزامی نه تنها آشکارا به وقت گذرانی و تفرقه افکنی در میان کارگران مشغول شد، بلکه با همکاری مدنی جلاد و رؤیایی - مدیر کل اکتشاف و تولید صنعت نفت و نوکر دیرینه امپریالیسم - توطئه ربودن دکل حفاری باقیمانده شرکت ستافه را ریختند، تا از این راه و با تقدیم دکل ها به اربابان خود به آنان خدمت کرده باشند. کارگران به محض آگاهی از این توطئه، دلیرانه در برابر آن پایداری کردند و با وجود این که تا آن هنگام دو دکل از ۵ دکل از ایران خارج شده بود، جلوی ربودن ۳ دکل دیگر را گرفتند. با وقت گذرانی و توطئه های

عدم شکل و کم تحرکی این کارگران در مبارزه سندیکایی (در اوایل کار) هیئت مدیره موقت موفق شد در مدت کمی با بهره گیری از " رهنمود های برادرانه " عناصری از هیئت مدیره بافنده سوزنی و کفاشی، سندیکای کارگران خفایط را به زانده وزارت کار بدل نماید. مخالفت های آشکار با اعتراضات حق طلبانه کارگری و حتی رد پیشنهادات تشکیل صندوق اعتصاب و محکوم کردن هر نوع اعتصابی، سازش با کارفرماها و خلاصه معاشات با وزارت کار در همه زمینه ها به قیمت دریافت چند فقره وام کارگری و نمونه های مشخص دیگر نشاندهنده تلاش های همه جانبه آنهایی بود که می کوشیدند تا علم سازشکاری و فرصت طلبی را بر با سندیکا برافرازند. این دیدگاه با جلوگیری از هرگونه خواست و حرکت اعتراضی کارگران و مبارزه با آن با اتکای صرف به کانال های نفوذ از بالا، سیاست کارگری عمیقاً رفرومیستی اش را بارهنا بارها نشان داده است. ادامه این سیاست ها از یک سو و خطر بیکاری و کم کاری ناشی از کمبود مواد و اخراج های بی دربی کارگران توسط کارفرمایان و افزایش هزینه زندگی بدون ارتقا، سطح دستمزدها، عدم دسترسی به خدمات و ... خلاصه محروم بودن از ابتدائی ترین حقوق از سوی دیگر، آنچنان تأثیر سوئی در ذهنیت کارگرانی که با شور و شوق بسیار به سندیکا روی آورده بودند، باقی گذاشت که تعداد کارگران شرکت کننده در جلسات کنفرانس هجومی از ۲۵۰ نفر در اوایل اردیبهشت ماه به ۴۰ نفر در شهریورماه تنزل یافت و سندیکا را تا آستانه از هم پاشیدگی پیش برد. ولیکن در سراسر مدت ۶ ماه که هیئت مدیره موقت اداره سندیکا را در دست داشت کارگران مبارز و پیشروی سندیکا به تدریج با افشای سیاست های سازشکارانه و رفرومیستی آنان و تبلیغ شیوه های صحیح مبارزات صفتی، ضمن شرکت فعال در مبارزات آنها از قبیل تشکیل صندوق اعتصاب به منظور کمک به کارگران اعتصابی، تشکیل کلاس های متعدد سواد آموزی شرکت در کمیسیون های مختلف سندیکا، کوشش در جهت ارتقا آگاهی طبقاتی کارگران از طریق ابراد سخنرانی های متعدد در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، برپائی تظاهرات و راهپیمایی ها به منظور حمایت از اعتصابات کارگران صنف و ... توانستند به سندیکا حان تازه ای

بدندند. بطوری که کارگران شرکت کننده در کنفرانس عمومی از ۴۰ نفر به ۱۳۰ نفر رسیده که آگاهانه تر از گذشته در جلسات شرکت می کنند. از نتایج مستقیم فعالیتات کارگران آگاه و پیشرو، تأثیر قابل ملاحظه ای بود که مجموعه این حرکات و فعالیت ها در ذهنیت کارگران نیمه آگاه (که قادر به اتخاذ موضع مشخصی در قبال سیاست های موجود نبودند) باقی گذاشت و موجبات شرکت فعالانه بسیاری از آنان را در جهت ارتقا سطح مبارزاتی سندیکا به بار آورده و ضربه ای کوبنده بر پایه ها عناصر فرصت طلب و رفرومیست درون سندیکا وارد کرد. رشد سریع جریان پیشروی کارگری و زوال بیشتر جریان منحرف و سازشکار، صف بندی نیروهای درون سندیکا را تسریع کرد. همین امر رفرومیست های " طراز نوین " را وادار به اتخاذ تاکتیک های متفاوتی نمود. ابتدا سعی در به تعویق انداختن انتخابات نمودند. بعد سعی کردند با شرکت در آن لاقابل بخشی از اداره سندیکا را مجدداً به دست گیرند و در این راه به همه خریده نیز متوسل شدند. از به بازی گرفتن عواطف مذهبی کارگران و " ضد اسلام " نامیدن کارگران آگاه و پیشرو گرفته تا به تعویق انداختن تاریخ انتخابات به بهانه های گوناگون حتی به حمله های از این دست متوسل شدند که:

در روز انتخابات دو نفر را جلوی در سندیکا نگهداشتند تا هر کارگری که می آمد بگویند " امروز انتخابات برگزار نمی شود " از دیگر اقدامات تنگ نظرانه و ضد کارگری این رفرومیست ها این بود که در کارگاه های خیاطی به اقداماتی نظیر مخالفت با حرکات اعتراضی، حتی اعتصاب شکنی و اقدامات بی شرمانه پلیسی بود. توسل به اقدامات پلیسی ای از قبیل معرفی کارگران مبارز و پیشرو به عنوان " اغلالگسر " آنها با تحریک کارفرمایان علیه از فروش آن اقدام کردند. آنها در تمام موارد با لوث کردن مبارزه سیاسی آن را تا حد توطئه های دسیسه های پلیسی بر علیه کارگران تنزل داده اند. شرکت آگاهانه کارگران در انتخابات ۶ آذر و افشاء و طرد کلیه عناصر فرصت طلب و سازشکار از هیئت مدیره بین ورشکستگی سیاست های رفرومیستی و پلیسی و بیانگر رشد فکری کارگران خیاط و درک صحیح آنان از سندیکای واقعی است.

هیئت اعزامی و عوامل مسل امپریالیسم و ارتجاعیون منطقه کانون شوراها دریافت که دیگر می توان با این مزدوران از طریق مذاکره به نتیجه رسید. شکل

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

جدیدی از مبارزه لازم بود. تا مبارزات کارگران را ارتقا دهد. طرح تحمیل در اداره مرکزی صنعت نفت در اهواز. از همینجا مطرح شد. ادامه دارد.

کارنامه ننگین یکساله دوستان امپریالیسم آمریکا را مرور کنیم

حصران در آغاز با درود به حلقه های فیرمان ایران یاد آورد شد ، سال گذشته در چنین روزهایی از نیکو بانه صوفی ، مردم مبارز حمله می کرد . ارتش در این روزها صدها تن از مردم فیرمان کرمانشاه ، خراسان ، قزوین و سایر نقاط میهن را به شهادت رساند . برای بزرگداشت خاطره این شهیدان یک دقیقه سکوت می کنیم . در این هنگام جمعیت حاضر به پا خاستند و با دست های گره کرده به احترام همه شهدای به خون حفته خلق ، یک دقیقه سکوت کردند .

از زمانی که ایران در آسایش موقعت انقلابی قرار گرفت ، عناصر و محافل سرمایه داری کوشیدند تا ریح در صوف مردم از وح کبری مبارز بوده حمله حلو گیری کند . این تلاش ها بعد از فام هم ادامه پیدا کرد و تصور هم به اشکال مختلف ادامه دارد .

ما قبل از این که به افسای سرانی که در این رسمه سه دستان رسیده است بپردازیم ، بنا سهای از تلاش های این عناصر لیبرالی را که به ویژه در دو ماهه قبل از فام عسلی در روزهای ناسوعا و عاشورا به اوج خود رسیده بود ، خاطر نشان می کنیم و سپس از کارنامه ننگین یک ساله دوستان امپریالیسم سار فزیده سخن خواهیم گفت .

سال گذشته همگی ما شاهد بودیم از نخستین روزهای آذرماه بی مبارزات مردم اوج نازهای امت همه آسایشی که انقلاب را به زبان خود می دیدند و از آن وحشت داشتند برای کنترل و سرمایه داران لیبرال برای حفظ سلطنت با رژیم به مشورت پرداختند و جلال نائینی ستاتور مجلس با برخی از رهبران جنبه ملی و برخی از رهبران سپهت آزادی به این نتیجه رسیدند که اگر رژیم اجازه راهپیمایی های روزهای عاشورا و ناسوعا را بدهد و اگر اعلام کند که هرگونه اختلالگری و بی نظمی را به شدت سرکوب می کند راه را برای بازگشت سنجایی و سایر رهبران جنبه ملی از خواهد گذاشت تا مردم را به ارمان دعوت کنند و از دادن شعارهای ضد سلطنت و تند که موجب برخورد با ارتش شود بازدارند .

احزاب و محافل سرمایه داری در آن زمان از رژیم می خواستند

که از یک طرف نسبت به کسانی که شعارهای سرنگونی شاه را مطرح نمی کنند با ملامت رفتار کند و از سوی دیگر آسایشی را که به دنبال سرنگونی و شعارهای تند هستند سرکوب و تهدید کند تا آنها نتوانند هدف های سازشکارانه خود را به پیش برند . پس از این شور و مشورت ها بود که رژیم اجازه راهپیمایی های ناسوعا و عاشورا را به شرط رعایت نظم و آرامش داد و اعلام داشت که هرگونه بی نظمی و اختلالگری را به شدت سرکوب می کند .

جز این هم چاره ای نداشت . رهبران جنبه ملی و سایر محافل سرمایه داری پس از این معذمت در صبح ناسوعا خود را جلوی صوف عظیم راهپیمایان انداختند و با طرح و تکسیر شعارهای سازشکارانه و تسلیم طلبانه کوشیدند از طرح تعاریف مرگ بر شاه حلو گیری کنند . هر جا که مردم و نیروهای انقلابی خواستند شعارهای مرگ بر شاه و از این قبیل را مطرح کنند فوراً عوامل ایمنها به سپاه اختلالگری و ایجاد آشوب و امثال آن حلو مردم را می گرفتند . پس از راهپیمایی های عاشورا و ناسوعا برای آگاهی مردم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طی اعلامیه های سراسری عوامریبانه و سازشکارانه جنبه ملی و جناح روحانیون به اصطلاح مباحثه را توضیح داد و نشان داد که چگونه این محافل می کوشند رژیم سلطنتی را نجات دهند .

پس از این حریمات ، بختیار که از رهبران سرشناس جنبه ملی

بود که لیبرالها از قدرت سیاسی به کف آورده بودند . لیبرالهایی که برای حلو گیری از او حلو گیری حشش به هر اقدامی دست زده بودند . آنها از نخستین روز فام بهمن تلاش کردند از ملامت سنی شدن ارتشی که برای حفظ منافع امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران دهها هزار تن از فرزندان دلاور ما را به شهادت رسانده بود ، حلو گیری کرده آن را همچنان دست خورده حفظ کنند .

سیسم کارنامه بازرگان از روزی که به حکومت رسید تا روز ۱۴ آبان که دولتش سقوط کرد چه بوده است ؟

کارنامه دولت بازرگان

- ۱- کوشش فرماندهان حاکمیتار در این ارتش و حفظ آن درست به . وه گذشته .
 - ۲- تلاشی ساختن شوراها برای کارگران ، دهقانان و پرسنل انقلابی ارتش و تلاش برای حلو گیری از ادامه مبارزات ضد امپریالیستی مردم .
 - ۳- دعوت سرمایه داران فراری برای تصاحب دوباره کارخانه ها و مخالفت آشکار با هرگونه اقدامی که ممکن بود به نفع زندگی مسفتنار طبقه کارگر بیجا حاد .
 - ۴- تسلیح فتودالها برای سرکوب دهقانان رحمنکش .
 - ۵- درپیش گرفتن سیاست سرکوب خلق ها .
 - ۶- حلو گیری از افشای فرار دادهای نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا با ایران .
 - ۷- حلو گیری از افشای شبکه های حاسوسی امپریالیسم آمریکا و بازسازی شبکه های ساواک .
- درواقع در پناه کابینه بازرگان بود که شبکه های حاسوسی امپریالیسم آمریکا مثل گذشته به فعالیت خود ادامه دادند و

در همین اوضاع و احوال بازرگان و بهشتی تا نیز بطسور پنهانی با ژنرال هوبز فرساده آمریکا و فرماندهان جلاد ارتش تلاش داشتند برای حلو گیری از ادامه مبارزه مردم راهی را پیدا کنند . ماجرای این تلاش های محافل سرمایه داری را برای جات سلطنت امروز اکثریت مردم ایران می دانند .

بازرگان نخست وزیری شود

روزهای نزدیک فام بود که بازرگان به عنوان نخست وزیر معرفی شد و با این که توده مردم بدر جریان مبارزات خود پی به ماهیت سازشکارانه بازرگان و امثال او برده بودند به اعتراف استخات آیت الله خمینی نوده مردم به حایان می رسید و تعار " درود بر بازرگان ، حلو ور سر اعوان " در و دیوارهای شهرها و روستاهای ایران را می پوشاند ، درودهایی که بازرگان و امثال او به هر وجه لاف ، آن را گذاشتند بازرگان در واقع از نظر ماهیت بیگانی همان بخنبار بود به اضافه یک ریش و تسبیح . نخست وزیر شدن بازرگان در واقع نشانه سهم قابل تکییدی

افشای سرمایه داران ...



سازمان ناسوعا پس از هر زمانی و با بهترین تعداد برای برهم زدن اجتماع رورحمه سازماندهی شده بودند . ناند های مهاجم از ورود مردم به دانشکده پلی تکنیک معارعت به عمل می آوردند و با وحشانه ترسین صورتی در حالی که به سلاح های سرد مظهر بودند سینه اجتماع کنندگان حمله می آوردند . انتظامات مسنگ یا خون سردی کوس می کرد تا شعار " درگیری نوطه آمریکا " و " مرگ بر آمریکا " از درگیری خونریزی شد اجتماع کنندگان و کمیته انتظامات با شجاعانه مقابل مهاجمان استنادگی کردند و هریار آنها را وادار به عقب نشینی می ساختند . در میان مهاجمان که رهبری آنها را ناند های ناسوعا برعهده داشتند علاوه بر عناصر آگاه و تحریک شده ، عناصر بیگانه و ناسوعا سازماندهی شده در آنس طرفی را باور کنیم " خواننده

حاسوس خانه ، افشا باید گردد " و ... یک بار دیگر پشتیبانی کامل خود را از مبارزات چکیبر و خستگی ناپذیر توده های ستمدیده ایران علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا اعلام داشتند . شور شعارهای ضد امپریالیسم به اوج خود رسید که عده ای از عناصر ناآگاه و تحریک شده با جوب و حماق و حمله ور می شدند . صبروماست سروهای متفرقی مانع دست یافتن افراد تحریک شده به اهداف رنجایی و آشوگرانه شان بود . هدف از تشکیل مینسنگ فتای اسادی بود که برده از فعالیت های حاسوسی محافل احزاب و اسده سوزواری لیبرال ایران برمی داشتند و سبازی از دوسان دروغین مردم ما را که هنوز هم در مراکز قدرت جای دارند افسا می ساخت . به همس خاطر بر ناند هایی که از فرادی فام برای برهم زدن اجتماعات راهسایشی های سروهای انقلابی

بی عاریت نمونه های دیگری از این فصل . حال بر سازمان های انقلابی و سرواست که با اعنای ماهیت این سروها و آشکار ساجس ، حیره واقعی از این عناصر ، ماسع از ادامه این عوامفرسای ها نوسد و نگدارند خطری که هم اکنون حشش انقلابی ما را تهدید می کند به حلق برسد . سازمان ما از آغاز فام افتاکری وسیعی را علیه لیبرال سروهای لیبرالی ، این دوسان و حاسوسان رس برده آمریکا آغاز کرد و تا آنجا که در توانی بود نگذاشت این نوطه ها با بگرد . افتاکری ما از این احزاب و محافل لیبرالی ، از لیبرال دوسان ریائی مردم بعضی از بازرگان ها ، چمران ها ، مدسی ها حداقل این تاثیر را دانسته است که دکتر تنضار درباردار مدسی که نازکی شده است دکتر سید احمد مدنی کاندیدای ریاست جمهوری برای ما پیغام فرستد که در زمان انتخابات از من افتاکری نکسید من هم قول می دهم پیس از انتخاب شدن به ریاست جمهوری به شما یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران امتناراتی داده و اجازه می دهم دفاتر علنی داشته باشید ، چه معز کوچیک و علنی که فکر می کند دفاتر علنی ما بستگی به اراده او دارد و ما سیر برای کشودن دفاتر علنی در عوامفرسای های او سپسیم خواهیم شد . این به اصطلاح متخصص امور نظامی و سیاسی هنوز نهمیده است که برای سازمان های انقلابی و پیشرو تنها منافع خلق اسران و اهداف و آرمان های مردم رحمنکش ایران است که معیار پشتیبانی است . ما افتاکری های خود را علیه این سروهای ضد مردمی ، این پشتیبانان و مدافعان سرمایه داری ایران ادامه خواهیم داد و همه اسناد و مدارکی را که در این زمینه به دست ما برسد در دادگاه خلق قهرمان ایران افشا خواهیم کرد .

شد . پس از پایان اجتماع ، مردم با شعار " نه سازش ، نه تسلیم ، سرد با آمریکا " ، " درگیری نوطه آمریکا " با وجود کوشش هایی که از طرف مهاجمین برای متوقف کردن سل جمعیت به عمل می آمد ، از درهای دانشگاه خارج شدند و به آرامی محوطه را ترک کردند . پس از خروج مردم از محوطه مینسنگ ، عناصر مردوری که از افشای محافل سرمایه داری لیبرال به خشم آمده بودند به دفاتر سازمان های سیاسی - صغسی دانشجویی در دانشگاه پلی تکنیک حمله کرده و به تخریب دفاتر پرداختند . از صبح سینه دانشجویان دانشگاه ، به عنوان اعتراض به تهاجم و تحاور سه حرم دانشگاه دست به اعتصاب زدند . چندی بعد ، اسنادان دانشگاه سیر با محکوم ساختن تحاور به حرم دانشگاه سا دانشجویان همصدا شدند . سا از سکر آزادی و یکی از دزهای دباع از منافع خلق های به سا حاسه ایران باعداری کند .

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا وابستگانش

بررسی اسناد نشان میدهد:

اهداف احزاب و محافل بورژوازی لیبرال همان اهداف امپریالیسم امریکا است

در سند شماره ۳ که تاریخ ۱۷ سپتامبر را دارد، مراعاتی مکالمه خود را با نوم امریکائی حسسیت کرده است:

"در مورد سفیر گفتیم شاید اسد، بانک، سفیر بشود، گفتیم خیلیها اسم او را میگویند، مثل کاتن، زویتنس، کلارک، ولی اینها سایعات در نهران است. امریکا سفیری می خواهد که نماینده امریکا باشد نه ایرانیان."

سبب مراعاتی رهبر یکی از احزاب و محافل وابسته سرمایه داران لیبرال ایران، نماینده سخن گوی طیف سرمایه داران ایران، حکومت نعام کوشش خود را معطوف به اس می کند که در جهت تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا، در جهت نامی سامع امپریالیسم جهانی به مرکزیت امپریالیسم امریکا که تا این سماع طیف سرمایه داران ایران، که تا این سماع سرمایه داران لیبرالی ایران است، در این سماع امریکائی خود خدمت می کند در سند شماره ۷ به امپریالیسم امریکا، مراعاتی را چنین می گوید:

"به نظر من جامعه اقتصادی عرب با توسعه روابط اقتصادی بی تواند اثر گذارد."

در سند شماره ۸ نوم امریکائی از مراعاتی می پرسد ارتباط ما با آنها، بعضی منصوبان امور کم است. چه باید بکنیم. نظر شما چیست؟

مراعاتی در همین سند اینطور به نوم توصیه می کند:

"گفتم شما با بازرگان ارتباط داشته باشید. نوم امریکائی گفت: وزیر مختار ما مرتبا با ایشان تماس دارد." مراعاتی در همین سند، یعنی سند شماره ۸ در عین حال به نوم توصیه می کند: عین جملاتی که در سند ضبط شده است: "با یزدی مشورت کنید" مراعاتی در ادا به گفتگوهای خود تاکید دارد که چگونه او خواهان تحکیم روابط مبینان با امریکا است.

در سند شماره ۱۰ اینطور به امپریالیسم گزارش شده است:

"در این هفته بر علیه امریکا خیلی حرفها زدند. چند صاه حالت انتظار داشتیم و به قول معروف سرمان را می دزدیدیم که تو سرمان نخورد، اما فکر می کنیم می باید سیاستی داشته باشیم و در هر حال چه روابط سرد باشد چه گرم، چه ملایم باید ایران و امریکا رابطه معقول داشته باشند چیزی که فعلا وجود ندارد."

سبب این سیاست معقول که مراعاتی به منایه یکی از رهبران محافل لیبرال اعمیاد دارد باید تمامی محافل و احزاب وابسته به سرمایه داری لیبرال آن ساس را اتحاد کند چیست؟ اساد را برای بگری اسس سیاست بررسی می کنیم و کوشش می کنیم در ساس که چگونه اسس ساس، ساس سرمایه داران لیبرال ایران، ساس طیفه سرمایه دار ایران است که با منافع سرمایه داری جهانی به مرکزیت

امریکا سودی حداقلی ندارد. در سند شماره ۸ می توان از عده های امپریالیسم امریکا و حاسوبان و دوستان آنان که به منظور عود در مراکز قدرت سیاسی ایران، سحر اسس مراکز قدرت و برای سس سیاست های خود در جهت تنظیم کرده اند برده برداشت. سبب که این تلاش های مدبوخانه در چه زمینه هائسی صورت می گیرد و چگونه به پیش رانده می شود.

از سند شماره ۸ صحبت می کنیم. در این سند مراعاتی به نوم چنین می گوید: عین جملات سند: "عده های می گویند اگر ما از خمینی تقویت می شود که ما می خواهیم مثل دوران شاه از حکومت دفاع و آن را تقویت کنیم. بطور کلی نمی دانیم چطور باید ترتیب تماس را بدیم."

مراعاتی در این سند می گوید: عین جملات سند: "باید با یزدی مشورت کنید" و "بالاخره مسئله از نظر هر دو طرف مهم است و باید راه حلی پیدا کنیم." مراعاتی در این سند در ارتباط با چاره جویی برای تحکیم سلطه امریکا نظر خود را با نوم امریکائی چنین در میان می گذارد: عین جملات سند:

"گفتم بالاخره هر عملی جنبه مثبت و منفی دارد. من به عنوان یک فرد که می خواهم مملکت با همه کشورهای روابط خوب داشته باشد می گویم بهترین راه حل این است که تماس با خود خمینی بگیریم."

در سند شماره ۱۰ از قول نوم امریکائی چنین نوشته شده است:

در مورد مطالب هفته پیش به واشنگتن پیشنهاد کردم که شاید در ورد تماس با خمینی اقدام شود."

در سند شماره ۱۸ مراعاتی همچنان بر راه حل خود اصرار می کند و بر عنوان شماره ۵ در مورد سئوالی که از پرسش مامور دیگر امریکائی کرده است چنین نوشته است: عین جملات سند:

"در مورد پیشنهادم که هر طوری باید امریکا با ایران رابطه برقرار کند گفت ما این پیشنهاد را فرستادیم، هنوز جواب دریافت نکردیم."

در سند شماره ۵ حسسیت می جواسم:

"در مورد خمینی گفت عده های او را محاصره کرده اند و

اینطور که می گویند از یک کانال مشخص اطلاعات را به دست می آورد."

در سند شماره ۱۷ مراعاتی به نوم چنین می گوید:

"گفتم انقلاب ایران یک انقلاب مردمی است و خمینی مطهر انقلاب است. مخالفت با خمینی مفید نیست."

از بررسی مجموعه اسس اساد حسسیت بر می آید که اولاً - یکی از تاکتیک هائی که امپریالیسم امریکا در جهت تحکیم منافع خود و سرمایه داران لیبرال، دوسسان و جاسوسان امریکا، برای تامین منافع طبقه خسود آن در پیش می گیرند تاکتیک نفوذ و نزدیک شدن به کسانی است که نقش تعیین کننده و حیاتی در حیات سیاسی جامعه ما دارند.

امپریالیسم امریکا در جهت تحکیم منافع خود و سرمایه داران لیبرال، دوسسان و جاسوسان امریکا، برای تامین منافع طبقه خسود آن در پیش می گیرند تاکتیک نفوذ و نزدیک شدن به کسانی است که نقش تعیین کننده و حیاتی در حیات سیاسی جامعه ما دارند.

ناسا - همی این اساد نشان می دهند که از زمانی که امپریالیسم امریکا دوسسان و جاسوسان آنها به استناد حمایت وسیع بوده ای که خمینی از آن برخوردار است و به اعتبار پایگاه کبوسی شان جریان طیفاتی را که "خمینی بدان منسوب است دشمن خود تلقی می کنند، زیرا منافع طبقه سرمایه دار ایران که در پیوند با امپریالیسم به سر می برد، با منافع خرده بورژوازی ایران سازگار است. ثالثاً بررسی اساد نشان می دهد که لیبرال ها و سخما مراعاتی به نزدیک با خمینی بسیار خوشین تر از امریکا است. چه مراعاتی، به نزدیک با خمینی تاکید دارد و امپریالیسم امریکا چاشچه در اساد دیگر نشان خواهیم داد، بدون این که توصیه های مراعاتی را نادیده انگارد به موقعیت لیبرال ها، نفوذ نوده های آنان، امکاناتشان و قدرت مامور سیاسی شان می اندیشد.

این قسمت از اساد مباحث افشاگری های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" را که در این زمینه صورت گرفته بود، شایسته می کند.

راعاتی به تنها می کوشد توسط ابادی و کسانی که مستقماً با آنها در تماس هستند به اسس شخصیت ها و به جسس کسانی نزدیک شود، بلکه در عین حال کوشش می کند با اشغال پست های حساس و با نزدیک شدن به محافل و اندهائی که در هیات حاکمه دارای قدرت هستند، در مان آنها عود کند و در مان آنها بر موجدی برای خود حسجو ماسد.

از مجموعه اسادی که در دست داریم حسسیت بر می آید که

امپریالیسم امریکا به سره سروری یک ساند ۵ برای دفعه، سوحه و تاکتیک خاصی دارد.

در سند شماره ۸ نوم امریکائی می گوید:

"به نظر می رسد قطب زاده، چمران، یزدی، طباطبائی صباغیان می توانند قدرت بیشتری به دست بگیرند."

جدد سطر باشش بر در همس سند بود که نوم مدکر می شود. "ارتباط ما با مسئولین امور کم است. چه باید بکنیم و نظر شما چیست؟"

علاوه بر این دو تاکتیک که از آن صحبت کردیم، تاکتیک دیگری بر وجود دارد. این تاکتیک به ما آچاره می دهد درک کنیم که چگونه امپریالیسم امریکا، دوسسان و جاسوسان امپریالیسم امریکا، برای پیشبرد سیاست های خود تنها از افراد منکی سسند. مطالباتی که از این سس از آن صورت خواهد گرفت نشان خواهد داد که چگونه امپریالیسم امریکا به جامعه سس اجتماعی منکی است. چگونه این طبقه طیف سرمایه دار ایران است که در

سیاست های امپریالیسم امریکا به اعتبار منافع و علایق طبقاتی طبقه و فشرمعینی که در جامعه وجود دارد به پیش رانده می شود و مورد پشتیبانی و حمایت قرار می گیرد.

شرایط کوشی رهبری آن را لیبرال ها بر عهده دارند. سند شماره ۵ تماماً پیرامون ملاقات با آیت الله شریعتمداری نوشته شده است. در این سند نشان داده می شود که مقدم مراعاتی یکی از مشاورین نزدیک آیت الله شریعتمداری است و در ارتباط با ایشان از طریق نوع برخوردی که نسبت به مسائل القاء می کند و همچنین در مورد مسائلی که طرح و القا می کنند می تواند توده های و سبب از مردم را در خدمت منافع طبقه سرمایه داری ایران که مالا منافع امریکا است به حرکت در آورد.

مراعاتی در این سند می نویسد:

"از من سئوال می کنند (یعنی آیت الله شریعتمداری از ایشان سئوال می کنند) آیا نمایندگانشان مجلس خبرگان بهتر است استعفا دهند یا نه؟ من عنوان می کنم عدم مشارکت موضوعی را عسوف نمی کند. در مورد خبرگان گفتند تنها آذربایجانی نیست. بگذارید ببینیم دیگران چه می کنند. فارس و خراسان هم ناراضی هستند. آیت الله قمی هم سخت حمله کرده است."

مراعاتی در سند شماره ۱۵ در گزارسی که برای مقام بالاتر خود ارسال داشته است می نویسد:

"شریعتمداری گفت که شاید دو ماه دیگر بهتر بتوان مطالب را گفت. موضوع مهم است که ایشان

بررسی های سیاسی اسناد عنوان گفتاری بود که در منبگ روز جمعه ۱۴ دی ماه توسط دومین سخنران ایژاد گردید. به جهت اهمیت سیاسی اسناد ارائه شده، فتردهای از این گفتار را در این شماره درج می کنیم.

چنین نظر دارند. سبب چگونه طرح اسس ماله به اس گونه در جمعیت از حای دیگری آت می خورد. سبب که حکومت ساس های امپریالیسم امریکا به اسعار مامم و علایق طیفی طیف و فشرمعینی که در جامعه وجود دارد به سس رانده می شود و مورد پشتیبانی و حمایت قرار می گیرد.

سند شماره ۱۳ برده از این رار بر می دارد. در سند شماره ۱۳ حسسیت نوشته شده است:

"منزل انوری - رادنیاس - فتح الله بنی صدر، دادستان کل، صدر سید جوادی - امیرانتظام انوری - فولادی - عباس سمعی" عین مکالماتی که در سند ضبط شده است.

"صحبت بر سر این بود که آخوندها مسلطند. صدر گفت تنها چاره برای بازرگان آن است که مجلس خبرگان را منحل کند و به این ترتیب از خودش استقلال نشان دهد. به این ترتیب هم روحانیت بر جای خودش می نشیند و هم دیگر بازرگان اعتبار پیدا می کنند و روشنفکران دور او را می گیرند. بعد از صحبت زیاد قرار شد امیر انتظام که فردا ساعت ۱۰/۵ با بازرگان قرار دارد در این ساره با او مذاکره کند. روز جمعه هم سید جوادی با بازرگان صحبت کند و بعد از این که از نظریات او مطلع شدند، تصمیم بگیرند. قرار شد صبح یکشنبه من تلفن کنم و نتیجه را از امیر انتظام سئوال کنم. دکتر یزدی و وزیر علوم هم قرار بود ببینند که نهادند."

می بینید که چگونه در محفلی که در سند شماره ۱۳ از آن یاد می شود در ارتباط با امیرانتظام سیاست یعنی طرح می شود و این سیاست از آنجا که با منافع مصالح، علایق و نمایات محافل لیبرال ایران که طبیعتاً بیانگر منافع طبقه سرمایه داری ایران می باشد سازگاری دارد، به اتکاء نیروهائی این چنین یعنی به اعتبار منافع طبقاتی گسروه اجتماعی معینی به پیش رانده می شود و از طریق کسانی که می توانند توده های وسیع مردم را جلب بکنند این سیاست ها با برخورداری از نیروی توده های مردم، توده های ناآگاه مردم و به اعتبار اعتمادی که آنها نسبت به این کسان دارند به پیش رانده شود.

در سند شماره ۱۲ جملاتی به این صورت نوشته شده است:

"در ساعت ۱۲ یادداشتی در مجلس خبرگان به من رسید که در دفتر امیر انتظام او را ملاقات کنم. من به دفتر امیر انتظام رفتم. بعد از مدتی راجع به این که چه باید کرد گفت دو ساعت با بازرگان صحبت کردم. ما اگر نتوانیم در انتخابات آیمده لافل بازرگان را رئیس جمهور کنیم دیگر همه امبدها از دست می رود. در هر حال قرار شد بقیه در صفحه ۷

گسسته ساد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و



بررسی اسناد نشان می دهد:

اهداف اجزاب و محافل بورژوازی لیبرال ...

بقیه از صفحه ۶

ساعت ۱۹ روز چهارشنبه در منزل انوری جمع شوم. یک نسخه از نامه هم که به عنوان نهضت رادیکال یکی هم به عنوان جمهوری خلق مسلمان بود به من داد. امیر انتظام گفت من در ایران می مانم تا این مسائل حل شود.

در این سند آنچه که پیداست این است که طرح کودتای آنها در مورد مجلس خبرگان در جمعیت سواست به انجام رسد و در این رابطه آنها به طرح سیاست دیگری می پردازند.

ملاحظه می کنیم که چگونه این امر طریق احزاب وابسته به خود که به منظور جلب بوده های مردم و استفاده از نیروی آنها برای پیشبرد مسائل و سیاست های خود سازمان داده شده است. برنامه های سیاسی معینی را طرح بر می می کنند و پیش می برند. در سند شماره ۳ که در ارتباط با نوم امریکائی نوشته شده است با این جملات بیان شده است که "این مسئله مطرح است که چطور می شود که روشنفکران را علاقمند به همکاری کرد. چون مثلا روشنفکران صد در صد مخالف هستند و کشور را ترک می کنند."

آچه که از این سند می آید این است که محافل و احزاب مربوط به سرمایه داران لیبرال علاوه بر تاکتیک هائی که از آن یاد کردیم، از تمامی امکاناتی که به نحوی می تواند مورد استفاده شان قرار گیرد، به نحوی بتواند در خدمت پیشبرد سیاست های آنها به کار آید، بشکلی در محاسبات آنها داخل می شود و مورد بهره برداری شان قرار می گیرد.

برای این که مساله را دقیق تر درک کنیم، اجازه دهید از سند دیگری صحبت کنیم. در سند شماره ۳ مراغه ای در پایان گزارشی که از صحبت خود با سوم تهیه کرده از ملاقات خود با فرد چمن نقل می کند.

"ساعت ۰۸/۳۰ فریاد خلیلی - نیروهائی که برکنار مانده و مشارکت آنها برای ساختن ایرانی بر اساس خواست عمومی ضرورت دارد امروز در حال اتحاد هستند. اینها باید از راه اتحاد در انقلاب را باز نگهدارند. این مقصود ضرورت و فوریت دارد."

خلیلی که من با او دیروز در حزب جمهوری خلق مسلمان ایران آشنا شدم و فرید را آورده بود گفت گروه های بسیاری با هم جمع شدند و شاید در همین هفته اعلامیه مشترک خود را صادر کند. او گروه هائی را که نام برد عبارت بود از فدائیان، حبیبی کارگری سوشالیست، جنبه - دمکراسیک و بسیاری گروه دیگر. در سند ذکر شده است "فرار سد عدا تبادل نظر بود."

برای این که از عمق مساله برود برداشته شود اجازه دهید از رویدادهای سیاسی که چند ماه پس جریان داشته و به این مسئله ارتباط پیدا می کند سخن بگویم.

در این سند آنچه که پیداست این است که محافل و احزاب وابسته به خود که به منظور جلب بوده های مردم و استفاده از نیروی آنها برای پیشبرد مسائل و سیاست های خود سازمان داده شده است.

رمانی ده سهاجم به کردستان شروع شد محافل و سازمان های معینی طرحی را پیشنهاد کردند بر اساس این طرح به منظور مقابله با جناح های ضد دمکراتیک حاکمیت عنوان شد که گروه ها و محافل اپوزیسیون ایران می توانند گروه هم آیند و در حقیقت اتحاد موقتی را سازمان دهند. سازمان ما بر اساس تحلیل کلی مشخصی که از اوضاع و احوال جامعه داشت و بر اساس شناختی که از تمایلات محافل و احزاب وابسته به لیبرال در دست داشت در این طرح رگه هائی از تمایلات و اهداف بورژوازی لیبرال ایران را احساس کرد. ارا این رو در مقابل با این طرح با دقت عمل بیشتری برخورد کرد. آنها با تکیه روی چیزی تحت عنوان خطر فاشیسم کوشش می کردند نیروهای چپ را منعقد سازند که باید با احزاب بورژوازی لیبرال علیه فاشیسم متحد شوند. بررسی های بعدی در چند ماه پیش علیرغم این که هیچگونه سند و مدرکی همانند اسنادی که امروز در پیشگاه خلق ایران افشا می شود در دست

ایران و بورژوازی لیبرال ایران قرار گیرد. برای این که به نحو دقیق تری توضیح دهیم که چگونه سرمایه داران لیبرال ایران که در آستانه قیام و پس از قیام سه قدرت خریدند و هم امروز نیز در بسیاری از مراکز قدرت جای دارند در جهت خلاف مصالح توده های وسیع مردم ما کدام بر می دارند، نشان دهیم که چگونه بورژوازی لیبرال ایران و سیاستمداران و سخنگویان وابسته به سرمایه داران لیبرال در جهت منافع امپریالیسم امریکا کام بر می دارند و منافع آنان به اعتبار موقعیت طبقاتی و اجتماعی شان با منافع و مصالح امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا پیوندی جدائی ناپذیر دارد، بررسی اسناد را ادامه می دهیم.

در سند شماره ۱۱ چنین نوشته شده است. نوم امریکائی به مراغه ای چنین می گوید. - عمن جملات سند. "در مورد بختیار از تهران به واشنگتن گزارش کردیم که اگر سفارت امریکا در پاریس یا هر

موضع سازمان در رابطه با توطئه تبری که محافل و احزاب وابسته به سرمایه داران لیبرال ایران کوشش کردند از ناراضی های مردم تبری و انرژی انقلابی توده های مردم تبری بهره گیرند، کوشش این مسئله را افشا کند و مانع از این شود که انرژی انقلابی توده های قهرمان تبری در خدمت منافع و مصالح طبقه سرمایه دار ایران و بورژوازی لیبرال ایران قرار گیرد.

نموده با تکیه بر این تحلیل که خطر فاشیسم توهمی بیش نیست و فاشیسم بدون انگ یا انحصارات امپریالیستی اساسا مطرح نیست، به این نتیجه رسیدیم که چنین طرحی در حقیقت توطئه ای است که توسط محافل وابسته به بورژوازی لیبرال ایران طراحی شده تا از یک سو از سابق در خصمان سازمان وزارت سازمان های انقلابی بهره برداری کند و از سوی دیگر ماهیت انقلابی و مردمی و مترقی این سازمان ها را لکه دار سازند. از این رو با آن به مخالفت برخاستیم و امروز امتحان می کنیم که در پیشگاه خلق های ایران اعلام داریم که ما بر اساس تحلیل های مشخص که از اوضاع و احوال داریم، در جهت پیگیری از منافع خلق های قهرمان و به پا خاسته ایران این طرح را در موقع خود خنثی کرده ایم.

بررسی این قسمت از اسناد در عین حال موید موضعی درست و اصولی و منکی بر منافع خلق های ایران در رابطه با نوطئه احزاب و محافل وابسته به سرمایه داران لیبرال ایران در تبریز بوده است. همچنان که همگان می دانند موضع سازمان در رابطه با نوطئه تبری که محافل و احزاب وابسته به سرمایه داران لیبرال ایران کوشش کردند از ناراضی های مردم سر بر ارزی اعلامی بوده های مردم سر بر بهره گیرند. کوشش این مساله را افشا کند و مانع از این شود که انرژی انقلابی توده های قهرمان تبری در خدمت منافع و مصالح طبقه سرمایه دار

چمران، بازرگان و شرکا، در حالت موثر و عمده دانشد و عامل موری در سلطه فئودال های منطقه بودند و سیاست تسلط نیروهای ارتجاعی منطقه را همچنانکه در مورد کردستان شاهد بودیم، به پیش راندند و به این ترتیب می بینیم که چگونه سیاست های آنان دقیقاً در جهت سرکوب مبارزات خلق های میهن ما به پیش رانده می شود.

سیاست امپریالیستی سرمایه داران لیبرال برای تأمین منافع امپریالیسم امریکا و تحکیم سلطه امپریالیسم در ایران در عین حال منوجه سازماندهی نیروهای ارتجاعی در ارتش سبز است.

از جمله در سند شماره ۳ در اشاره به این مطلب چنین نوشته شده است.

نوم امریکائی از مراغه ای می پرسد: "وضع ارتش چیست؟ آیا در ارتش کسانی هستند که به نظریات مذهبی ملایم تر مشتمل شریعتمداری موافق باشند؟" در همین سند شماره ۳ آنچنان که دیدیم فرید از نیکساران بقدرت رسیده زمان رژیم پهلوی نیز نام برده شده است. اگر دقت کنیم که چگونه رادنیبا و خلیلی که از سردمداران حزب جمهوری خلق مسلمان به حساب می آیند آن وقت می توانیم این رابطه را به درستی درک کنیم که چگونه محافل و احزاب وابسته به سرمایه داران لیبرال ایران در درون ارتش به سازماندهی این محافل می پردازند و کوشش می کنند از امکاناتی که در درون ارتش وجود دارد در جهت تحقق برنامه ها و سیاست های خود از این امکانات و نیروها بهره گیری کنند. شاید جالب خواهد بود اگر از سند شماره ۲ نیز سخن به میان آورد. در آنجا که امپریالیست ها از مراغه ای راجع به وضع تری می پرسند جمله ای که در سند ثبت شده

ما کوشش خواهیم کرد در آینده نیز هر سندی را که به سود جنبش خلق باشد و توده مردم را از حقایق امر آگاه کند، منتشر کرده و در پیشگاه خلق های قهرمان خود به دآوری خواهیم گذارد.

است این است: "وضع تریه چه می شود؟" پائین تر در همین سند چنین نوشته می شود: "چمران را شاید شورای انقلاب قبول نکرده است این که بحث درباره وزیرا شده است ممکن است ناشی از اختلاف اعضای شورای انقلاب، چمران باشد. داخل پرنانز به تاریخ ۵۸/۷/۱۱ چنین نوشته است. چیزی که خلاف این وضع ثابت شد."

آچه که از این قسمت اسناد بر می آید، این است که چگونه امپریالیسم امریکا سیاست های خود را در رابطه با عوامی که در

همچنین طبق اطلاعاتی که در دست است، فئودال ها و خاندانهای منطقه فارس توسط محافل وابسته به بورژوازی لیبرال همچنین هم پیمان های آنان در ارتش مسلح و سازمان داده شدند تا بر علیه مبارزات دهقانان راحمنکش منطقه به مقابله برخیزند که آنچنان که در مطبوعات کشور انعکاس یافت درگیری هائی در این منطقه صورت گرفت که این درگیری ها هنوز سر ادامه دارد. قابل تأکید است که در هر دو موردی که از آن سخن گفتیم باید

فرد سهم و صاحب مقام هستند به سن می برد. برای توضیح این مسئله به سد دیگری اشاره می کنیم. در سند شماره ۱۸ ربر عنوان شماره ۶ چنین نوشته شده است: "در مورد کردستان به نظر وزیر در مذاکرات هیئت دولت شرکت داشتند. چمران طرفدار خشونت بود که گفته است به آنها درسی باید داد تا بدانند قدرت چیست. بازرگان از او حمایت کرده است."

در سند شماره ۴ که در ارتباط با پولی خبرنگار تنظیم شده است مراغه ای چنین نوشته است: "دوروز قبل از ۲۸ مرداد خلخال می رود کردستان و ۴۸ ساعت از او خبری نمی شود. بعد می بینیم گزارش دروغین از سندج می رسد ولی معلوم می شود سندج آرام است."

در ادامه همین سند می خوانیم "آنها که به ظاهر برای سندج بسیج شده بودند در سقز وارد عمل می شوند و بعد از جریان سقز مساله مهاجد به آن صورت طرح می شود. اینها نقش همین گروه ۵ نفری چمران، سزادی، قطب زاده، طباطبائی، صباغیان است. عامل تحریک و آرا ک ل گزارش غلط تیسار فلاچی بود که عامل اجرای مقصود گروه ۵ نفری است."

لازم است تأکید کنیم که یکبار دیگر تاریخ درس خود را به آنها بی که قادر نیستند در سهای تاریخ را به ما آموزش دهند، چگونه داده است. دیدیم که چگونه جنگ با خواسته ای که چمران ها بر پا داشته بودند، مغلوب نبرد حق طلبانه خلق کرد شد و تاریخ یکبار دیگر نشان داد که قدرت از آن کسانی است که در حقیقت خلق قرار دارند. تاریخ یک بار دیگر نشان داد و اثبات کرد که قدرت از آن توده ها است.

بررسی همه جانبه این اسناد احتیاج به زمان بیشتری دارد و ما در این فرصت کم بخش هائی از این اسناد را بررسی کردیم. سازمان ما با انتشار اسناد آن را در اختیار همه نیروهای ضدامپریالیسم و ترقی خواه می گذارد تا با بررسی همه جانبه این اسناد سیاست و شرکدها و تحلیل های امپریالیسم امریکا و چهره واقعی دوستان و جاسوسان وی را به مردم باز شناسند.

ما این اسناد را از آن رو در پیشگاه خلق ارائه دادیم زیرا خلق های قهرمان میهنمان را بزرگترین و عادل ترین داورها می شناسیم. ما کوشش خواهیم کرد در آینده نیز هر سندی را که انتشار آن به سود جنبش خلق باشد و توده مردم را از حقایق امر آگاه کند، منتشر کرده و در پیشگاه خلق های قهرمان خود به دآوری خواهیم گذارد.

نابود باد جنبه سرمایه داران لیبرال پرتوان تر باد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق های ما

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

مبارزه طبقاتی را باور کنیم

سرمایه داران لیبرال پس از قیام به قدرت می‌خرسند ، ماه‌ها می‌کوشند سیل خروشان توده‌های زحمتکش میهن ما را مهار کنند ، شوراها را کارگران ، دهقانان و نظامیان را متلاشی سازند ، مردم را از دخالت در امور بازدارند و از لاله‌های خون شهیدان خلقی ستم‌دیده ما ، بی‌سرای جاسوکاران و جاسوسان امریکائی دسته‌های گل بسطه پاپوس برند و در آوازی سهمی از استثمار و غارت خلق‌های ایران ، ثمرات خون دهها هزار شهید خلق را به پستای امپریالیسم امریکا بریزند .

اما خلقی قهرمان ما که پنجه در پنجه بزرگترین غول تاریخ و نوکران داخلی آن انداخته است ، از مبارزه دست‌بازدار نیست . سدی که امپریالیسم امریکائی و سرمایه‌داران لیبرال پس از قیام با آن همه مهارت ، دقت و سرعت در برابر سیل جنبش توده‌های بنا کرده بودند با ضربات پیاپی و نیرومند خلق‌های قهرمان ایران ، ترک می‌خورد و با تسخیر مرکز جاسوسی امریکا فرو می‌ریزد و سیل خروشان جنبش توده‌های در دشت‌های سیکران ایران جاری می‌شود تا لاله‌های خون شهیدان را آبیاری کند و بارور سازد .

بسیح احزاب و محافل لیبرال

به محض سقوط بازرگان و مهار نسبی قدرت طلبی سرمایه‌داران لیبرال درون حاکمیت که نتیجه اوجگیری مبارزات توده‌ها است ، احزاب و محافل سراسیمه و خشمگین سرمایه‌داران لیبرال که برای تحکیم سلطه خود و طرد کامل خرده بورژوازی از قدرت نقشه‌ها کشیده بودند ، بسیح می‌شوند .

حزب جمهوری خلق مسلمان که ماهیست با بهره‌برداری از گرایشات ضد دموکراتیک حاکمیت خود را دست‌سوز توده‌ها و آزادخواه جا زده است می‌کوشد از قدرت توده‌ها علیه توده‌ها بهره‌برداری کند و زیر پوشش آزادخواهی مردم را به دنبال خود کشانده و مبارزات صدامپریالیستی و دموکراتیک خلق را علیه امپریالیسم امریکا منحرف سازد . امپریالیسم امریکا ضمن پشتیبانی کامل از احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال ، خلق ایران را به تسلیم نظامی و تحریم اقتصادی تهدید می‌کند ، محافل وابسته و جنایتکاران درون ارتش ، آشکار و پنهان به حمایت از لیبرال‌ها برمی‌خیزند ، فتوادل‌ها و خوانین مرتجع در عمان با بختیار به مشاوره می‌نشینند و متعاقب آن فتوادل‌هایی که از ماهها پیش توسط باند چمران و حمایت فعال بازرگان و شرکا ، مسلح شده‌اند در سیستان و بلوچستان ، فارس و سایر نقاط ایران به جنگ دهقانان رحمتکش ما می‌آیند . بازرگان و شرکا ، علیه افشاکری‌های " دانشجویان مسلمان پهلوی خط‌امام " اعلام حرم می‌کنند ، عناصر لیبرال درون مطبوعات و رادیو-تلویزیون به حمایت از بازرگان و شرکا ، برمی‌خیزند و شورای انقلاب فرصت را غنیمت شمرده و برای کنترل دانشجویان بسیح می‌شود و در این گهرودار امپریالیسم امریکا و مطبوعات غربی می‌کوشند با تحریف حقایق افغانستان ، مبارزات صدامپریالیستی و دموکراتیک میهن ما را کند کنند و شورای انقلاب نیز تحریف حوادث اخیر افغانستان را به عنوان وسیله‌ای برای به انحراف کشاندن مبارزات صدامپریالیستی مردم میهن ما به کار می‌گیرند و بدینوسیله می‌کوشد امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران لیبرال را از زیر ضربات توده‌ها نجات دهد .

این حوادث را فقط کسانی جدا از هم می‌بیند که چشمانشان را بر مبارزه عمیق طبقاتی که آشکارا در تمام عرصه‌ها در میهن ما در جریان است ، بسته اند ، پیوسته طبقاتی این حوادث را کسانی درک نمی‌کنند که مبارزه طبقاتی را باور ندارند و هر پدیده و هر حادثه را جدا از سایر پدیده‌ها بررسی می‌کنند .

اسناد ارائه شده به وضوح نشان می‌دهند که چگونه امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران و روشنفکران لیبرال دست در دست هم شبکه‌هایی برای سرکوب و شکست مبارزات خلق‌های ایران ایجاد کرده‌اند ، اسناد نشان می‌دهند که چگونه مقدم مراعاتی ، رهبر نهضت رادیکال از یک سو جاسوسان امپریالیسم امریکا را با حجاج روحانیون طرفدار سرمایه‌داری وابسته و حزب جمهوری خلق مسلمان یعنی لیسران‌های ایورسیون در ارنساده فرار می‌دهد و از سوی دیگر با بازرگان و شرکا ، یعنی سا لیبرال‌های حاکم ارساط برقرار می‌کند و مطاع این سنگ سوره از صدها نمونه است .

مهمتر از همه این اسناد نشان می‌دهند که چگونه امپریالیسم امریکا به روشنفکران لیبرال امیدوار است و برای سازماندهی آنها تلاش می‌کند و چگونه در دست است از حیثیت و اعتبار هر نیروی انقلابی و مبارز و از ناراضی‌های رو به گسترش توده‌ها و تمایلات محافل درون ارتش به سود تقویت موقعیت سرمایه‌داران لیبرال و طرد خرده‌بورژوازی از حاکمیت و در نهایت به سود تحت‌تسلیم سلطه خویش بهره‌برداری کند .

این اسناد نشان می‌دهند که برای سرمایه‌داران لیبرال و سخنگویان سیاسی آنان ، بازرگان و شرکا ، و امثال آنها ، ریش و تسبیح و سجاده و سیله‌ای برای فریب خلق و سرای خدمت به امپریالیسم امریکا است .

اما راستی آیا برای شناخت محافل و احزاب و عناصر سرمایه‌داران لیبرال حتما ، اسناد و مدارک لازم است ؟ آیا چهره واقعی محافل سرمایه‌داران لیبرال را تنها اسناد رابطه دوستانه و با جاسوسی آنها برای امپریالیسم امریکا بر ما عریان می‌کند ؟ بدون تردید پاسخ این پرسش‌ها منفی است .

لازم نیست برای کشف رابطه این محافل با امپریالیسم امریکا در انتظار اسناد و مدارک بنشینیم . بلکه با استدلالیم که چنین روابطی برای همه محافل سرمایه‌داران لیبرال از ضروریات است . سرمایه‌داری وابسته برای حفظ منافع خود ، از ارتکاب هیچ جناحیتی علیه خلق - مسافروگذار نمی‌کند و جاسوسی علیه خلق ایران تنها - مسافروگذار از اقدامات جناحکارانه سرمایه‌داران لیبرال را بر ملا می‌کند .

اینک ، امپریالیسم از یکی از مهمترین پایگاه‌های خود یعنی سرمایه‌داران لیبرال و فتوادل‌های منحصر آن به صفوف مبارز خلق ما اینجمن حمله برده‌اند . در این پیکار مرگ و زندگی طبقه کارگر قهرمان ایران و دهقانان خرده‌بورژوازی صدامپریالیست شهری ما هم ، خازین‌های مبارز و انقلابی خلق باید علیه امپریالیسم و سرمایه‌داران لیبرال صفوف خود را هر چه فشرده‌تر سازند .

ما باید عمیقاً ماهیت تلاش لیبرال‌ها را در تروپسک شدن به نیروهای انقلابی و معنی و محتوای تلاش آنها را در گشت رهبری نیروهای که از گرایش‌های ضد دموکراتیک حاکمیت ، بارزانی و سرخوردده می‌شوند ، درک کنیم .

ما موظفیم معنای واقعی آزادخواهی دروغین لیبرال‌ها را دریابیم و برای توده‌های مردم توضیح دهیم . وقتی محافل و احزاب لیبرال ترس از اشتباهات و گرایش‌های ضد دموکراتیک حاکمیت ، به میان می‌آید مردم ارتجاعی خود را بر بوش مخالفت با اقدامات ضد دموکراتیک روحانیت می‌بندند ، وقتی سرمایه‌داران لیبرال سنگ مردم را به سینه می‌زنند و خوک‌ها را پهلوان مبارزه در راه آزادی و دموکراسی جا می‌زنند و می‌کوشند با فریب توده‌ها به حاکمیت برسند ، با مواضع خود را در حاکمیت تقویت کنند ، ما موظفیم به مردم توضیح دهیم که ماهیت طبقاتی این خدمتگاران و این شرکده‌های امپریالیسم امریکا درهانی با ماهیت طبقاتی بختیار جنابکار فرق ندارد . همه اینها از منافع طبقاتی طبقه سرمایه‌دار ایران که نارو بودش با امپریالیسم گره خورده است ، دفاع می‌کنند . ما موظفیم به توده‌ها بگوئیم که این صدای امپریالیسم امریکاست که از زبان شرکده‌های لیبرال‌ها آنها به گوش می‌رسد . ما موظفیم نگذاریم لیبرال‌ها این دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا خود را دوست مردم جا برسد و توده‌ها را فریب دهد .

ما باید به توده‌ها بگوئیم و هزاران بار تکرار کنیم که سرمایه‌داران لیبرال از آنجا که تلاش دارند به هر قیمتی شده ، سلطه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را از تو تحکیم بکشند ، دشمن آشتی ناپذیر توده‌ها هستند ، در برابر حرکت تکاملی خلق ما فرار دارند و ارتجاع مطلقند .

ما کمونیست‌ها ، حزب‌ها ، گروه‌ها و شخص‌ها را به اساس فعالیتات ذهنی آنها و نه بر اساس گفتار و عمل آنها ، بلکه در عین حال و فعل از هر جبر بر اساس اعمال و کردارشان که ماهیت طبقاتی آنها را توضیح می‌دهد تا تکراری تاریخی است به آنها مورد صداقت قرار می‌دهیم . لیبرال‌ها مدعی می‌شوند که طرفدار آزادی هستند ، اما آزادی آنها یعنی مهارت و سدی توده‌ها ، یعنی آزادی امپریالیسم امریکا و سرکای داخلی آن و هرگز به خواهد به سبام مبارزه

گرایشات ضد دموکراتیک حاکمیت ، با لیبرال‌ها همکاری کند و با مبارزه با آنها را دستکم بگیرد ، با دشمنان خلق همگامی کرده است . بورژوازی لیبرال می‌خواهد از باور سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن جلوگیری کند ، حرکت لیبرال‌ها در جریان مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ایران حرکتی ضد انقلابی و ضد تکاملی است و از همین رو است که احزاب و محافل وابسته به سرمایه‌داران لیبرال برخلاف جریان‌های سیاسی وابسته به خرده‌بورژوازی ، مطلقاً مرتجعند ، چنین است ، ملاک ما در ارزیابی نیروهای که هم اینک در عرصه مورد طبقاتی میهن ما حضور دارند .

آنان که تحت عنوان مبارزه با خطر فاشیسم که از نظر ما نوعی سن نیست ، مبارزه با گرایش‌های ضد دموکراتیک روحانیت را وطیقه عمده خود می‌شمارند ، عملاً دست در دست ارتجاع محض یعنی سرمایه‌داران لیبرال ، فتوادل‌ها و مزدوران امپریالیسم امریکا می‌گذارند . این فکر که خرده‌بورژوازی ، این متحد طبیعی طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک را مطلقاً مرتجع می‌خواند ، اما ارتجاع سرمایه‌داران لیبرال یعنی بزرگترین مانع کسوفی تکامل جامعه ما را دستکم می‌گیرد و با اصلاح نمی‌بیند ، در عرصه مبارزات طبقاتی جانب ارتجاع را می‌گیرد . این فکر نا کون هر جا که از فوه به فعل درآمده ، به سهم خود بدترین ضربات را به جنبش دموکراتیک و به ویژه جنبش کمونیستی ایران وارد آورده است .

امروز رهبری خرده بورژوازی نحت تاثیر فشار توده‌های مبارزی که پایگاه طبقاتی او را تشکیل می‌دهند در برابر سیاست کام به کام لیبرال‌ها که خواست امپریالیسم امریکا است به مخالفت برخاسته است و مادام که مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن ادامه دهد ، ما او را مبارز و ضد امپریالیست می‌شماریم . ما هر گونه فصاحت مادرست را از نیروهای درون خلق سخت به زبان جنبش می‌دانیم . ما کوشش در جهت تحکیم صفوف نیروهای صدامپریالیسم را از وطیقه ضد انقلابیون کمونیست می‌دانیم و به سهم خود ، همچسور گذشته در راه همبستگی و تقویت آن خواهیم کوشید .

در اینجا ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که علیرغم سیاستی که در دو ماهه اخیر پس از اشغال مرکز جاسوسی امریکا در پیش گرفته شده بود ، اکنون یکبار دیگر شاهد رشد گرایش‌های سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک در زمینه‌های مختلف هستیم . جناح‌های مشخصی از جریان‌های مذهبی ، سیاسی از یک سو و جناحی از روحانیت از جمله اپتال‌های شریعت‌مداری و قسمی که در فرهنگ رژیم گذشته " علمای معقول و مباحه رو نامیده می‌شوند از سوی دیگر و با پشتیبانی جاسوسان و عوامل سبجانی پنتاگون می‌کوشند تحت پوشش دفاع از اسلام مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق مبار که هر دم شکوفائی تازه‌ای می‌یابد از مسیر خود منحرف ساخته و آن را به پشتیبانی از توطئه‌ها و دسیسه‌های سران عشایر و فتوادل‌های افغانستان و عوامل محمدظاهر شاه مخلوع بکشاند .

این سیاست مشخصاً همدستی با امریکا و تقویت ارتجاع است . خلق ما هرگز به پشتیبانی از فتوادل‌ها و سران مرتجع ایلات افغانستان بر نخواهد خواست .

از سوی دیگر توطئه‌های شومی در شرف تکوین است که در کردستان نگذارند مذاکرات با هیات نمایندگسی خلق کرد ادامه یابد . بی‌سبب نیست که همان دست‌هایی که به پشتیبانی از فتوادل‌ها و خوانین افغان برخاسته‌اند در کردستان با صلح کردن خوانین و فتوادل‌ها و عا داین زدن به تشنج و درگیری و با آشفته کردن اوصاع می‌کوشد توجه توده‌ها را از مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته ، از مبارزه با امپریالیسم امریکا این دشمن اصلی خلق‌های جهان منحرف ساخته به مبارزه با خلق کرد ، به مبارزه با خلق افغان ، به مبارزه با انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای انقلابی معطوف دارد . جریان ایس سیاست همان کسای هستند که در مردادماه جنگ را به خلق کرد تحمیل ، مطبوعات را معطل و آزادی‌های سیاسی را به بند کشیدند . اکنون با شاه‌هایی که در دست است مشخصاً این جریان‌ها به سهام تازه‌ای علیه نیروهای برفیخواه در ایران و در سراسر منطقه دست زده‌اند و در روزهای آبی با توطئه‌ها و دسیسه‌های دیگری از جانب همین نیروها مواجه خواهیم بود .

وطیقه همه نیروهای انقلابی است که فرصت بدهند جهت مبارزات خلق‌های ایران که اکنون علیه دشمن مسرک همه مردم رحمتکش ایران و جهان یعنی امپریالیسم امریکا منوجه است از مسیر خود منحرف و در خدمت اهداف امپریالیسم امریکا در ایران ، در افغانستان و دیگر کشورهای جهان درآید .

نابود باد جبهه احزاب ، و محافل سرمایه‌داران لیبرال



یاد رفیق کاظم شهیدی ثالث

کارگر رزمنده زیمینکو گرامی باد

روزهای پس از مهام بود. روزهای شورانگیز و سرشار از امید. روزهای رویتن، معطر و حماسی. روزهای که انقلابیون سرفراز و سربازان امیدوار در تدارک مداوم به کار بودند. آبادان پر غرور و پرتاب درت اعلان می‌ساخت. ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در قلب آبادان کایون جوشش بود. کارگران افتخار آفرین آبادان، بعد از ظهرها، هنگامی که از کار برمی‌گشتند راهی ستاد خودشان می‌شدند تا با مریدهای طین افکن فرمان "جیش به پیش" را از سالن ستاد به گوش همه رزمندگان برسانند. شیوخ مرتجعین، ساواکی‌های پنهان شده، عوامل سیا، مرتجعین جانساز آب کشیده، به قدرت خریدگان و قدرت بانگان ناسزاوار و سلحانه و بی‌سلحه، پنهان و آشکار، فردی و جمعی به شهیدید و ارباب مشغول بودند تا قلب انقلابی آبادان را در هم بزنند.

عصرها صدها و هزاران کارگر رزمنده در سالن ستاد جمع می‌شدند و در کلاف دسیمه های سازشکاران راه مبارزه را باز می‌نمودند. تریبون ستاد رزمه کارگران و انقلابیون بود که به با دشمن سرسازش دانست و به با سازشکاران سرآشنی. آنان بر سازش و سازشکار، بر سلیم و تسلیم طلبان، بر سرمایه و سرمایه‌داران و بر محیز و محیز گویان بلشویستیک وار می‌ناهند و خشم کارگری را ستار همه آتانی می‌کردند که از ترس دشمن به خود می‌لرزیدند و در خدمت دشمن هنوز پا به جاسا می‌کوشیدند تا انقلاب و انقلابیون را قربانی کنند.

در این روزها کارگران آبادان مهربانی‌ها کردند و ستاد میدان قهرمانی‌های بسیاری بود و در این میان قهرمانانی بودند که به زودی در میدان مبارزه چینه شدند. و چهره‌هاشان در زرفانی دیبای آرماسی کارگران خاوداسه شد.

رفیق کاظم شهیدی ثالث کارگر زیمینکو چین رزمنده ای بود.



رفیق کاظم شهیدی ثالث

با فامتی درشت و کام‌هائوسی استوار، سکوت را در هم شکست و پشت میکروفون قرار گرفت. آرم پر افتخار سازمان بالای سر او افزاشته بود. سنگین برگشت و نگاهی به آرم کرد و سپس رو به جمعیت داد. کشید "میدونید چرا رنگ آرم سرخه؟ میدونید بالا بردن آرم و جکش تو رژیم شاه یعنی چه؟ سرخی رنگ آرم آرم از جوه. خون سیمد شهید فرمان. اونا جکش ما را تنو دورمای بالا بردن که ما هنوز خواب بودیم. حالا بلند بشیم خودمون نگهش داریم، تو و من بلندش کنیم، مطمئن باشیم مطمئن مطمئن".

مبارزهای شهید خود را می‌دیدیم که در سخنان رفیق خنده بر لب پا به سالن می‌گذارند و کنار کارگران می‌نشینند و با چشمی امیدوار نشان پر افتخار سازمان را می‌گردند. ما رفقای کارگر را می‌دیدیم که به آرم می‌نگرند و عرق در طنین سخنان رفیق شهیدی، اندیشه رزمگانه‌های پس عظیم تری را می‌پروراندند. همه رفقای که در سالن بودند متحدا

کارگران کارخانه مینو خواستار ایجاد شورای واقعی و ملی کردن کارخانه هستند

روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح کارگران مسدود آراسش و داروسازی کارخانه مسو واقع در حاده کرج دست از کار کشیدند. این کارگران در محوطه کارخانه با شعارهای کارگر پیروز است، سرمایه‌دار نابود است، کارخانه‌های ایران ملی باید گردد، هام می‌کرگ سر اولسون، امریکا نابود اولسون (همه باید یکی شود - آمریکا باید نابود شود) و غیره... به نظاهرات پرسووری دست زدند. کارگران دیگر قسمت‌های کارخانه با شیبیدن صدای شعارها به محوطه کارخانه ریختند و یکصد و یکبارچسه بنامی کارگران کارخانه با سرشار شعارها پشت در اطاق شوراجتماع کردند و خواستار تشکیل شورای واقعی شدند. عده‌ای از مزدوران کارفرما سعی کردند در سن کارگران تفرقه‌اندازی کنند.

کارگران کارخانه کچ ساران واقع در ایوانکی گرمسار با اتحاد و مبارزه پیگیر خود کارفرما را به عقب نشینی واداشتند

کارگران کارخانه "کچ ساران" واقع در ایوانکی گرمسار با اتحاد و مبارزه پیگیر خود کارفرما را به عقب نشینی واداشتند. کارگران این کارخانه که از مدتها پیش برای ایجاد شوراجماریه کرده‌اند همواره با توطئه‌چینی کارفرما مواجه‌اند. اخیرا انتخابات محدودی انجام شد و ۵ نفر به عنوان نماینده شورا تعیین شدند که بلافاصله مجمع عمومی را تشکیل دادند و طی صورجلسه‌ای خواست کارگران به شرح زیر اعلام گردید:

- ۱- پرداخت سود ویژه.
- ۲- افزایش حق مسکن از ۱۵۰۰ ریال به ۵۰۰۰ ریال و حق خواروبار از ۸۰۰۰ ریال به ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۳- بانوجه به افزایش مخدیده هزینه‌ها و نیاز مبرم کارگران شورای کارگران خواستار شد مبلغ ۵۰۰ هزار تومان اعتبار جهت پرداخت وام‌های ضروری از جانب کارخانه نامین شود و سپس به شکل منصفانه‌ای از حقوق کارگران کسر شود. این مبلغ بایستی همش به عنوان اعتبار وام ضروری تجدید شود.

در مجمع نمایندگان کانون شورای شرق تهران کارگران می‌پرستند:

چه کسانی قانون کار را تدوین می‌کنند؟

در تاریخ ۱۸ آذرماه جلسه کابو با شرکت ۵۰ نفر از نمایندگان شورا، سدیک و کارگران منطقه تشکیل شد. در این جلسه نماینده وزارت کار حاضر بود. کارگران از این نماینده می‌پرستند. ما شنیده‌ایم که دارد فاسون کار بدو می‌کند. آیا کارگران هم در سوس فاسون کار سهمی دارند یا نه؟ و اگر هستند چه کسی آنها را اجبات کرده‌اند؟ نماینده وزارت کار حساب

به مبارزه اندیشیدند و ار سروری آینده سرشار شدند. رفیق "کاظم شهیدی" پیش از نی سال برای سرمایه کار کرد و با سرمایه جنگید. او عضو سازمان جوانان حزب بوده بود. کودتای ۲۸ مرداد را دید. فرار رهبران را هم دید. در همین دبار آتش و خون ماند و با سرمایه و سرسیره جنگید. او پاسدار امید کمونیستی بود و هرگز سگر را ترک نکرد. هم از آغاز شروع مبارزه مسلحانه او با معیاری بسیار ساده فدائیان را برگزید. "آنها که برای نامین رهبری کارگران می‌میرن حتما خود را قادر خواهند ساخت که شاسته وفاداری به آرمان طبقه کارگر باشند. دارودسته حزب سرای حفظ خود و منافشان ما را ول کردند".

او تا شروع جنبش بطور مخفی و از آن پس بطور آشکار به آماده کردن سازمان دادن و هدایت کردن کارگران در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری پرداخت. پس از قیام در ستاد با سازمان شروع به کار کرد و در کمیته کارگری ستاد به فعالیت مشغول شد. پس از تعطیل ستاد رفیق در ارتباط با تشکیلات به مشکل کردن کارگران و تلاش در جهت ایجاد شورا و سندیکا پرداخت. او تا لحظه شهادت یک دم از تانشت و بیگ آن از تعهد خود کوتاهی نکرد. همیشه و همجا منتظر بود تا تحت رهبری سازمان خود وظیفه انقلابی را به پیش برد. تا اینکه رفیق شهیدی در سنجه سکنه فرزی زانندگی در گذشت. رفیق شهیدی از میان ما رفت اما تلاش‌های او به میراث برای کارگران مانده است. ما صدای زسای او را هنوز از پشت تریبون ستاد می‌شنویم که می‌گوید: "میدونید چرا رنگ آرم سرخه؟ میدونید بالا بردن آرم و جکش تو رژیم شاه یعنی چه؟ سرخی رنگ آرم از جوه. خون سیمد شهید فرمان. اونا جکش ما را تنو دورمای بالا بردن که ما هنوز خواب بودیم. حالا بلند بشیم خودمون نگهش داریم، تو و من بلندش کنیم، مطمئن باشیم مطمئن".

پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی برقراری شوراها قطع سلطه امریکا در باهان در دانشکده علوم

راهپیمائی ضد امپریالیستی کارگران کارخانه‌های اراک

راهپیمائی از شهر صعی آعار سد و در دانشکده علوم عسکری راده باهان ناف. کارگران فریاد می‌زدند: به سازش نه تسلیم نبرد با امریکا - امریکا تو خالی ست و بیتنام گواهیست صنایع وابسته ملی نباید گردد، امپریالیسم خوبخوار نابود باید گردد. در سیاسی صغوف بکارچند کارگران بلاکاردهائی به اسن مصون دنده می‌شد.

به دنبال دعوت اتحادیه سراسری سوراها سازمان کسرس و سوساری صنایع کسور در روز چهارشنبه ۵ دی ماه ۵۸ کارگران اراک اولسن راهپیمائی مسعل و موفی خود را برعلیسه امیرالهیسم برگزار نمودند.

راهپیمائی ضد امپریالیستی کارگران کارخانه‌های اراک

در این راهپیمائی که اکثریت کارگران سس ۱۵ شرکت و کارخانه که اغلب آنها واسه به سازمان کسرس می‌باشد شرکت کردند.

کار مسکن آزادی

به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد استالین

زندگی استالین تجلی خشم و مبارزه پرولتاریا...



۱۵ سالگی فعالیت‌های انقلابی خود را در محافل سوسیال-دمکرات‌های انقلابی روسیه آغاز کرده است. استالین بعدها در باره سال‌های ۱۸۹۸-۱۸۹۶ نوشت:

«کارگران تفلیس اولین معلمین من بودند. با ظهور اشتقاق در سوسیال-دموکراسی انقلابی روسیه و ایجاد فراکسیون بلشویک‌ها و منشویک‌ها استالین جانب لنین، یعنی بلشویک‌ها را گرفت و تا آخرین لحظات عمر خود به راه لنین به راه بلشویک‌ها وفادار ماند و علیه منشویک‌ها، تروتسکیست‌ها و همه انحرافات چپ و راست در حزب، سرعت و بولادین مبارزه کرد.»

نام استالین، در تاریخ ماروزات پرولتاریای روس و سراسر جهان نامی آکنده از وفاداری و ایمان به آرمان کمونیسم است و همین دلیل نام هیچ کمونیستی اندازه نام استالین مورد خشم سنان آرمان کمونیسم قرار نرفته است. برای این که دلیل خشم و دشمنی را بازشناسیم باید به نخستین سال‌های ساختمان سوسیالیسم در شوروی بازگردیم.

«میهن سوسیالیستی در خطر است...»
۲۱ فوریه سال ۱۹۱۸ بطروگرام هنوز یک سال از انقلاب کبیر اکثر گذشته است، انقلاب سباط سرمایه‌داری را درهم ریخته است. زمین از آن شوراهای دهقانان است. همه قدرت به شوراها کارگران، دهقانان و سربازان سپرده شده است. حقیقی‌ترین دیمکراسی جهان بشریت در بخش‌های وسیعی از روسیه استقرار یافته است و می‌رود که استقرار نهایی خود را در سراسر روسیه بگستراند. جهان رنجبران ملهم از ۱۵ روزی که دنیا را لرزاند با پرفروغ‌ترین امیدها، به نخستین میهن خود نخستین میهن سوسیالیستی می‌نگرد. سرمایه‌داران و ملاکین

در درون مرزهای شوروی تلاش‌های مذبوحانه‌ای را سازمان داده است و در اتحاد جماهیر سرمایه‌داران و ملاکین سراسر جهان، در صدد نخستین

میهن سوسیالیستی را درهم شکنند و به هر نحو شده کجای ستگری سرمایه‌داری را در شوروی برپا دارند. آنچه این‌بار سباط سرمایه‌داری در روسیه را طلیعه نابودی نظام سرمایه‌داری در سراسر جهان می‌دند، قیام اکثر ناقوس مبارزه سرمایه‌داری را در سراسر جهان به صدا در آورده بود.

لنین در این هنگام نوشت: «میلیتاریسم آلمان با اجرای دستور سرمایه‌داران کلیه کشورها می‌خواهد کارگران و دهقانان روسیه و اوکراین را مختل سازد، زمین‌ها را به ملاکین، فابریک‌ها و کارخانه‌ها را به بانک‌داران و قدرت حاکمه را به دستگاه سلطنت بازگرداند. ژنرال‌های آلمان می‌خواهند "نظم" خود را در بطورگرا و کیف برقرار سازند. معرض بزرگترین خطرات است. در چنین شرایطی بود که حزب بلشویک، سازماندهی دفاع از میهن سوسیالیستی را در مقابل تهاجم سرمایه‌داری جهانی - امپریالیسم - و ملاکین و سرمایه‌داران مهزوم شده روسیه سازمان داد و استالین از طرف حزب ما مورثیت یافت که سازماندهی دفاع قهرمانانه از "سارتسین" صرب‌اصلی را به ضدانقلاب وارد آورد. در این هنگام نام استالین در نام‌های جبهه‌های سرد روباوری سوسیالیستی چهار ده کشور و اردوی گارد سفید همراه کارگران و دهقانان بود که یکی پس از دیگری صفوف "ضدانقلاب" را درهم می‌شکنند و به سربازی رنجبران روسیه، پرچم سرخ انقلاب سوسیالیستی را در سراسر خاک روسیه در اهتزاز قرار می‌دهند.»

استالین در این بکار سرسختانه به نبرد پرداخت. کادری‌های حزب را متحد ساخت و چنین نوشت:

«در لحظه کنونی، پس از پیروزی اکتبر، سیاست اقتصادی نوین تروتسکیسم را باید از هر چیز خطرناک‌تر دانست. زیست‌تروتسکیسم سعی دارد نسبت به نیروی انقلاب، نسبت به اتحاد کارگران و دهقانان و نسبت به تبدیل روسیه (زمین نوپ) به روسیه سوسیالیستی عدم اعتماد ایجاد نماید. بدون درهم شکنند تروتسکیسم ممکن نیست در شرایط سیاست اقتصادی نوین به پیروزی نائل آمد و روسیه فعلی را به روسیه سوسیالیستی تبدیل نمود.»

استالین برای اینکه تروتسکیسم را از نظر تئوریک خلع سلاح سازد و مارکسیسم دروغین او را افشاء کند، «در باره اصول لنینیزم» را به رشته تحریر درآورد. استالین با این اثر نه تنها تروتسکی و طرفداران او را از نظر مسلکی خلع سلاح نمود، بلکه بسط و تعمیق مارکسیسم بر اساس آموزش‌های لنین، پرولتاریای سراسر جهان را، در مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم تواناتر ساخت.

استالین با درهم شکنند جنبه انحلال طلبان و تسلیم طلبان و خائنین به آرمستان سوسیالیسم، ساختمان اقتصادی نخستین میهن سوسیالیستی را بی‌افکند و صنعت نوپسین سوسیالیستی را در شوروی بر پایه‌های استوار بنیان نهاد.

استالین، در تأمین منافع اساسی طبقه کارگر، اشتراک‌گرایی کردن کشاورزی را سازمان داد. گلخوزها و سالخوزها رشید و گسترش یافت و "انقلابی" دیگر پشت سر نهاده شد. در همین مرحله در تاریخ بلشویسم چنین نوشته شده است: «این انقلاب، با یک ضربه سه مسئله اساسی ساختمان سوسیالیستی را حل کرد.»

الف - کثیرالعهده ترین طبقه استثمار کننده در کشور ما، یعنی طبقه گولاک‌ها، این تکیه گاه مستحکم اعاده سرمایه‌داری را از بین برد.

ب - کثیرالعهده ترین طبقه زحمتکش کشور ما، یعنی طبقه دهقانان، از راه اقتصاد انفرادی که مولد سرمایه‌داری است، به راه اقتصاد دسته‌جمعی کلخوزی سوسیالیستی سوق داد.

ج - در وسیع‌ترین و حیاتی‌ترین رشته اقتصاد ملی و در عین حال عقب مانده ترین رشته‌های آن یعنی در اقتصاد روستائی به جداری شوری پایه سوسیالیستی داد.

استالین در اثر مشهور دیگر خود "مسائل لیسم" در این باره چنین نوشت:

«آخرین امید سرمایه‌داران تمام کشورها که آرزوی اعاده سرمایه‌داری را در اتحاد شوروی در سر دارند، یعنی "اصل مقدس مالکیت شخصی" از هم می‌پاشد و بر باد می‌رود. دهقانان، که به نظر سرمایه‌دار مادامی برای کود زمین، جهت سرمایه‌داری بیش نیستند گروه گروه از پرچم

بقیه از صفحه ۱

استالین در این نبرد، با سرمایه‌داران روسیه و امپریالیسم که در هفت دستان ظاهر می‌شدند برخوردی سخت داشت و که از طرف کمیته مرکزی حزب به جبهه محب فرستاده شده بود، نقشه تروتسکیستی را در مورد حمله به سربو ام "ضد انقلاب" نادرست تشخیص داد. در همین بکارها بود که تارهای تروتسکی از "مات" ارتش سرخ برکنار شد. استالین نقش درجه اولی، در بنیاد ارتش سرخ به عهده گرفت. تروتسکیستی و طرفداران او توسط استالین به مبارزاتی تازه خوانده شدند و از خشم انقلابی او خود را در امان نمی‌یافتند. این آغاز دشمنی‌های تازه با استالین بود.

دیکتاتوری پرولتاریا را مستحکم سازیم... پس از این که جنگ پیروزمدانه به پایان رسید، سردی وارد آغاز شد. دوستداران سرمایه‌داری، در درون حزب بلشویک با لنین و استالین و نقشه‌های آنان برای ساختمان سوسیالیسم به مخالفت برخاستند. مبارزاتی که اینک آغاز شده بود، به مراتب دشوار تر و پیچیده‌تر از جنگی بود که پیروزمدانه به پایان رسیده بود. در جبهه این نبرد بود که لنین وفات یافت.

استالین در تاریخ ۲۱ ژانویه پرچم سرخ بلشویسم را در اختیار گرفت و در حالی که پرولتاریای روسیه در محاصره دشمنان دوست‌نمایی که به نام او بر علیه او اقدام می‌کردند قرار داشت استالین را پیشوای حزب خود شناخت. استالین در سوگند می‌داد که به این ماسبت ابراد کرد چنین گفت:

«... هیچ افتخاری بالاتر از دارا بودن نام عضویت حزبی که موسس و رهبر آن رفیق لنین می‌باشد نیست...»

... هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت کرد که دیکتاتوری پرولتاریا را حفظ کرده و مستحکم سازیم. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین، که از نیروی خود دریغ نخواهیم داشت تا این وصیت تو را هم با شرافت انجام دهیم.»

استالین در نخستین سال‌های مرگ لنین سر چنین گفت: «بسیار داشته باشید، دوست بدارید و بیاموزید... ایلینچ را آموزگار ما، پیشوای ما را.»

بیکار کردید و درهم شکنید دشمنان داخلی و خارجی را به شیوه ایلینچ، به پای داربند زندگی نوین، هستی نوین و فرهنگی نوین را - به شیوه ایلینچ»

استالین جبهه انحلال طلبان و تسلیم طلبان را درهم می‌شکند... پس از مرگ لنین، دشمنان سوسیالیسم مبارزاتی تازه را علیه راه لنین که اسک با نام استالین ساخته می‌شد، سازمان دادند.

سوده" مالکیت شخصی" دست برداشته راه کار دسته جمعی، راه سوسیالیسم را در پیش می‌گیرد. آخرین امید اعاده سرمایه‌داری از هم می‌پاشد.

به اس برست استالین، آخرین امید سرمایه‌داران جهان را درهم می‌شکند. او نقد س هزاران ساله مالکیت خصوصی را از سر برد و با سوسیالیسم به سوسیالیسم می‌گردد و از انحالت که نام استالین را نغرت و کندی و بی‌حرمتی‌های دوستداران آشکار و پنهان بهره‌کشی سرمایه‌دارانه همراهی می‌کند. ناخاکه پس از گذشت نزدیک به ۳۰ سال از مرگ استالین هنوز شعله‌های این نغرت و خشم به جانی نگرانده و تا زمانی که سرمایه‌دار در جهان باقی است نام استالین سوز بر اندام سرمایه‌داران و طرفداران آنان خواهد افکند.

رفیق شبهه‌مونی در تحقیقی که پیرامون استالین به عمل آورده بود، در بیان نقش استالین از جنگ میهن و شکست فاشیسم چنین نوشت:

«... استالین بزرگترین شکست دهنده فاشیسم هیتلری بود. او سهمی عظیم در قلع و قمع آلمان هیتلری و رهائی طبقه کارگر کشورهای اروپای شرقی دارد. واقع بینی استالین در استفاده از تضاد بین امپریالیست‌ها و تشکیل جبهه متفقین با امریکسا و انگلستان و در عین حال آگاهی بر ماهیت سوداگری آنان و اشغال به موقع سزیمین‌های اروپای شرقی، سهم او را در پیروزی طبقه کارگر شوروی و اروپای شرقی و نیز پیروزی تمام خلق‌های جهان بر فاشیسم بیشتر می‌کند. استالین تجسم اراده آهنین پرولتاریای رزمنده اتحاد شوروی بود.»

اشتباهات استالین، اشتباهات تاریخی پرولتاریا است آنچه تاکنون بر سردهیم به معنی فراموش کردن اشتباهات استالین نیست. اتفاقاً عقیده داریم، توضیح علمی اشتباهات رفیق استالین، می‌تواند چهره دشمنان آرمان سوسیالیسم، تروتسکیسم، رویزیونیسم، طرفداران تئوری سه جهان و... را از پس پرده عوام‌فریبی و مارکسیسم دروغینی که در آن فرورفتند، بیرون افکند و رسوا سازد.

امروز، در صدمین سالگرد تولد استالین، انقلابیون کمونیست در سراسر جهان، اهمیت چنین توضیحی را بیش از هر زمان دیگری احساس می‌کنند و در این مختصر نمی‌تواند به احاطه رسید. ما ترجیح می‌دهیم مقاله خود را با برگرفته‌ای از کوشش‌های رفیق شهید حمید موسی که در این زمینه داشت به پایان آوریم. صن تا کد بر این نکته که دستاوردهای مثبتی که در مقاله رفیق موسی وجود دارد، به اعتقاد ما تنها پنجمین گام‌های

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بقیه در صفحه ۱۱

گرامی باد یادرفقای شهید ***

یکماه پیش از قیام بهمن ماه، گردانندگان حزب جمهوری ...

خون پاک خود، پیشگام مساررات صدامیربالیسی - دمکراسیک میهن ما بودید، آسپهائی که امروز خود را دوسدار مردم معرفی می کنید، میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی و میرزا مجید واعظی و میرزا حمید شریانی، مبلغ یک میلیون تومان از ساواک دریافت می دارند تا علیه مساررات مردم

و تخت شکجه و با روحی فرار گرفت. سرور نجاعه اسرار انقلابی را از دشمن پوشیده نگاهداشت و علیرغم مصونیتش در یک سازمان مسلح، به علت بی نردن دشمن، به یک سال زندان محکوم گردید.

رفیق سرور فرهنگ، پس از آزادی از زندان به سازمان پیوست و بر حسب وظیفه سازمانی، خود و همسرش در کارخانه ای مشغول کار شدند تا از طریق زندگی و کار با کارگران در جهت پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودبخوانی طبقه کارگر موثرتر افتد.

به نام رفیق شهید پویان نامگذاری شد و در عملیات متعددی شرکت جست که حمله به سفارت آمریکا در اواخر ۵۰ انفجار در خطوط انتقال نیرو در جریان حش های تنگسین ۲۵۰۰ ساله، مصادره بانک صادرات شعبه مارمک، از آن جمله بود و سرانجام پس از سه سال مبارزه پی گیر در دشوارترین شرایط در ۲۰ دی ۵۲ در یک درگیری مسلحانه با مزدوران رژیم در منطقه لرستان پس از نابود کردن چندین مامور دشمن به شهادت رسید.

حزب توده پیوست. سال ها پس از همکاری با این حزب بود که خصوصیات فرست طلبانه رهبری حزب توده را دریافت و مانند بسیاری دیگر از کارگران از آن کناره گرفت. حسن ۹ ساله بود که پدرش با جمعی از پارانش، در جریان یک عمل انقلابی بر علیه رژیم کودتا به شهادت رسید و درسی بزرگ به حسن آموخت که تاثری شگرف بر روح حساس حسن برجای گذارد. پس از آن حسن به ناچار دست از تحصیل کشید و به کارگری پرداخت. سال ها نزد استادکاران مختلف (بخاری ساز، شیشه بر، فلزکار و...) کار کرد و با چهره خشن و اطمینت استثمار آشنا شد. همچنین با مطالعه آثار شوریک انقلابی و آشنائی با تنی چند از روشنگران انقلابی به شناختی عمیق از وضع جامعه ایران دست یافت. در سال ۴۸ با گروه مارکسیستی رفیق احمد زاده تماس پیدا کرد. او نیز مثل بقیه اعضای گروه به این نتیجه رسید که مبارزه با دیکتاتوری فاشیستی ایران با توجه به سوابق ذهنی خلق از مبارزات گذشته جز در شکل سیاسی - نظامی امکان پذیر نیست. از آن پس رفیق همچون یک انقلابی حرفه ای راه دشوار خود را آغاز کرد. او در عملیات حمله به کلاشتری فلک و اعدام انقلابی سپید فرسو و عطیات بانک آینه پور نقش برجسته داشت. در سال ۱۳۵۰ ضربات سنگینی بر سازمان وارد شد و تیم چریکی رفیق احمد زاده از هم پاشید. رفیق حسن با تجدید سازمان بخشی از بقایای گروه و جذب عناصر فعال و آگاه واحد چریکی جدیدی تشکیل داد که

هر چه پرشکوه تر باد خاطره ایمن رفیق

فدائی شهید مسرور فرهنگ

رفیق مسرور فرهنگ در ۶ اردیبهشت سال ۴۶ در آستارا متولد شد. در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده صنعتی پلی تکنیک تهران شد. او یکی از فعالین سازمان صنفی دانشجویان پلی تکنیک تهران بود. رفیق مسرور، در سازماندهی اعتصابات سال ۱۳۴۸ از جمله اعتصاب رانندگان شرکت واحد نقش موثر و فعالی به عهده داشت. در همین رابطه نیز در فروردین سال ۴۹ بازداشت شد و به سرپازی اعزام گردید. در مدت سرپازی، رفیق مسرور به سازماندهی هسته های مطالعاتی و محافل مارکسیستی دست زد.

پس از پایان دوره سرپازی رفیق به فعالیت های انقلابی خود ادامه داد. تا این که در مهرماه سال ۵۲ مجدداً بازداشت چریکی جدیدی تشکیل داد که

اطلاعیه شماره (۸) هیئت نمایندگی خلق کرد درباره وقایع اخیر سنج

تعهدات خود در این زمینه با تقویت سپاه پاسداران و اسرار در نگاه داشتن آنان عملاً به این گونه نامنی ها کمک می کند. این اقدامات همراه با تبلیغات تحریک آمیزی که اخیراً در بعضی حرا انتشار یافته است مجموعاً فضای متشنج قبل از جنگ خمینی، برود ماه را تجدید کرده است. ما عواقب ناگوار این اوضاع را به هیئت ویژه دولت که دارای اختیارات کشوری و لشکری است و با برخورد غیر جدی و غیر مسئولانه خود به ماجراجویی های پاسداران میدان می دهد، یاد آور می شویم.

هیئت نمایندگی خلق کرد ضمن تسلیم به خانواده شهیدان عموم مردم مبارز و پیشروگان قهرمان سنج دعوت می کند که برای خنثی کردن این نوطه ها و حفظ محیط آرامی که برای ادامه مذاکرات ضروری است، مناسب انقلابی خود را همچنان حفظ کرده و از هرگونه درگیری سروه های سیاسی مسئول در این مورد توجه دهنی مدول دارند.

هیئت نمایندگی خلق کرد ۱۲ - دی ماه ۱۳۵۸

انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و سازمان چریک های فدائی خلق ایران - شاخه کردستان) به منظور خنثی کردن نوطه پاسداران و به خاطر حفظ محیط آرامی که برای ادامه مذاکره ضروری است با صبوری و نوبتین داری از هرگونه درگیری خودداری کرده و برای برقراری مجدد آرامش کوشیده اند. ارتش مستقر در نهدگان سنج در این ناآرامی دخالت نداشته است اما هواپیماهای فانوم در ساعات بعد از ظهر بر فراز شهر به مانور پرداخته اند.

هیئت نمایندگی خلق کرد با علم به نوطه هایی که برای کسب مذاکرات و تحمل محدودیت جنگ به کردستان در جریان است اقدامات صدمه دهنی و تحریک آمیز سپاه پاسداران سنج را محکوم کرده و درباره عواقب وخیم آن هشدار می دهد. ما با صدور آرا کردستان حر اخلال و باامسی برهای داده و خروج آسان از کردستان حمید کسبی از حواشی های بوری خنثی کردن بوده ایم. تنگ دولت به حای توجه به حواش مردم و احراز

به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد استالین زندگی استالین تجلی خشم و ...

فرمان افول شخصیت عطیایی چون پلخانف را صادر کرد. یعنی ضرورت های اجتماعی (سیاست های استالین) خط مشی و ایدئولوژی دوره ای از مبارزات تاریخ سیاسی پرولتاریای شوروی است که خدایی شوروی در دو جنبه مختلف سنج می جنگیدند، یکی در جنبه داخلی علیه کولاکها و بقایای بورژوازی در جامعه شوروی و یکی در جنبه جهانی علیه منتهانی علیه دولت جهانی امپریالیستی، خنثی پرولتاریای شوروی در جنگ های این مبارزات سخت و بی امان است و استیلاجات (استالین) استیلاجات تاریخ پرولتاریا است که سنج اساس قوانین مارکسیستی - دیالکتیکی صاحب دینج کرده اند. هم از آن می توانسته است باند

منجد، آثار تاریخ بلوگ

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

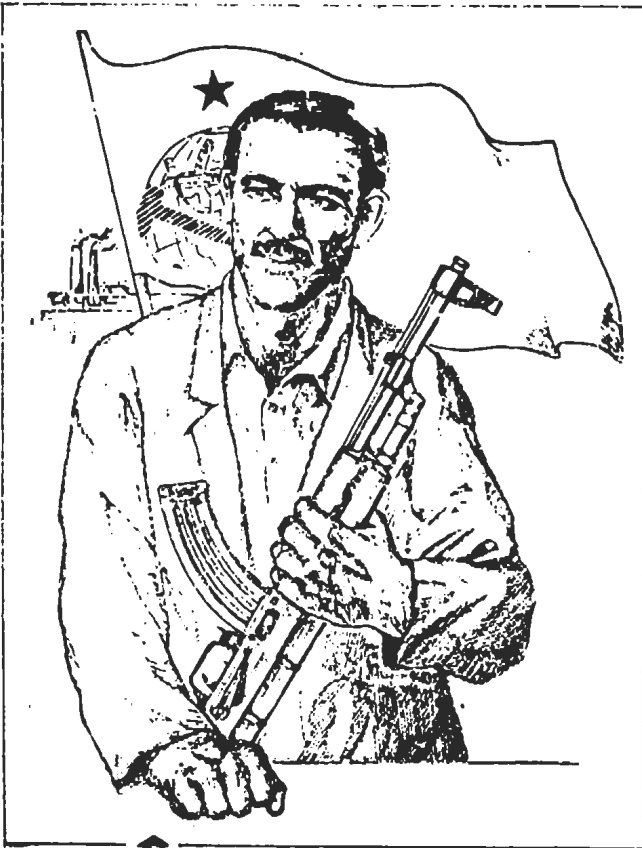
اطلاعیه شماره (۸) هیئت نمایندگی خلق کرد درباره وقایع اخیر سنج

در صفحه ۱۱

گرامی باد یاد رفقای شهید ***

کمکهای مالی دریافت شده

کد	مبلغ	کد	مبلغ	کد	مبلغ
۲۰۰۰	۱۱۲۵-س	۵۰۰۰	۸۴۱-ج	۱۰۰۰	۳۵۱-الف
۲۰۰۰	۲۰۰-م	۲۰۰۰۰	۲۳۸-ج	۱۲۰۰۰	۵۰۰-ب
۱۰۰۰۰	۲۵۰-س	۲۵۰۰۰	۱۱۱-ج	۱۰۰۰۰	۷۰۲-ج
۵۰۰۰	۲۵۵-ج	۱۰۰۰	۲۳۲-ج	۷۵۰	۲۱۲-ب
۱۰۰۰۰	۹۹-ب	۱۰۰۰۰	۲۲۹-ن	۱۱۰۰۰	۱۱۱-الف
۱۰۰۰۰	۱۰۰-س	۳۰۰۰	۱۰۱-ج	۴۰۰۰۰	۹۹۱-م
۲۰۰۰	۴۰۱۰	۵۰۰۰	۲۹۰۰-س	۸۰۰۰	۱۰۰-ب
۲۰۰۰	۵۰۱۰	۲۰۰۰	۳۰۰-م	۵۰۰۰	۱۲۲-ب
۱۰۰۰۰	۱۱۱۱	۲۰۰۰۰	۲۵۶-الف	۳۵۰۰	۹۲۲-ب
۵۰۰۰	۱۱۱	۲۰۰۰۰	۲۴۱-س	۲۶۰۰۰	۲۳۳-د
۱۰۰۰	۲۵	۵۰۰۰	۸۴۸-ر	۱۰۰۰۰	۳۱۱-الف
۲۰۰	۳۵	۵۰۰۰	۱۵۵-ز	۵۰۰۰	۷۷۱-ج
۱۵۰۰۰	۲۵	۱۵۰۰۰	۳۰۹-ق	۵۰۰۰	۱۳-ر
۱۰۰۰۰	۵۵	۷۰۰۰	۷۱۲۷-ت	۵۰۰۰	۳۰۵-د
۱۰۰۰۰	۶۵	۱۰۰۰۰	۳۵۷-ج	۱۰۰۰	۳۶۰-ب
۵۰۰	۱۰۰۴	۵۰۰۰	۵۰	۵۰۰۰	۳۲۱-ر
۳۰۰۰۰	۱۷	۳۰۰۰	۳۰۲۴	۵۰۰۰	۱۸
۱۲۰۰۰	۲۷۱	۱۲۰۰۰	۲۲۴	۵۰۰۰	۲۴۲-ب
۱۲۰۰۰	۳۷۲	۲۰۰۰۰	۷۰۶	۲۰۰۰	۲۳۱
۸۰۰۰۰	۸۲۲۵۲	۳۰۰۰۰	۸۸۸	۱۰۰۰۰	۳۲۵-ب
۳۰۰۰	۱۰۰۰۲۰	۱۲۰۰	۷۷۷-م	۱۰۰۰۰	۲۵۵-ب
۳۰۰۰	۳	۲۰۰۰	۸۸۸-م	۳۰۰۰	۱۲۵-م
۲۲۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۳۵۸-م	۳۰۰۰	۲۲۲-م
۲۰۰۰	۱۱۱-م	۱۰۰۰۰	۱۹۴-ف	۱۰۰۰	۱۶۶-م
۱۵۰۰۰	۱۲۷-ب	۵۰۰۰	۱۲۳-ر	۴۰۰۰	۵۸۵-م
۱۰۰۰	۳۳۵-ع	۲۰۰۰	۵۶۸-ج	۱۲۰۰۰	۳۸۵-ب
۱۰۰۰	۱۳۵-ب	۲۰۰۰	۲۸۱-ب	۲۰۰۰۰	الف-۲۰۱
۵۰۰	۲۲۴-ک	۲۰۰۰۰	۱۲۲-ر	۱۰۰۰	۲۷۶-ع
۱۰۰۰۰	۳۱۵-م	۱۵۰۰	۲۰۰-م	۲۰۰۰	۷۷۹-س
۳۰۰۰۰	۲۲۲-ج	۴۰۰۰	۲۱۲-م	۱۰۰۰۰	۴-الف
۲۵۰۰	۲۲۲-ب	۴۰۰۰	۲۱۹-ج	۱۰۰۰۰	۲۱۳-ه
۲۰۰۰۰	۱۲۰-د	۳۰۰۰۰	۲۲۰-م	۱۵۰۰۰	۳۲۱-ع
۲۰۰۰	۳۰۳-ط	۳۰۰۰	۱۲۹-ب	۱۰۰۰۰	۱۲۲-ک
۱۰۰۰۰	۳۱۵-م	۳۰۰۰	۱۵۸-س	۲۰۰۰	۲۲۴-ن
۱۰۰۰	۶۲۲	۷۰۰۰	۲۸۵-ه	۵۰۰۰۰	۶۲-ت
۱۰۰۰۰	۹۶۴-ع	۱۰۰۰۰	۵۵۵-س	۱۰۰۰۰	۲۴۱-ج
۲۰۰۰	۱۱۲-ط	۸۶۰۰۰	۸۶	۵۰۰۰	۰۰۰-ع
۷۶۵۰	۲۰۵	۷۵۰۰۰	۵۵۰-ج	۱۲۰۰۰	۵۵۵
۵۰۰۰	۱۹۱-ن	۵۰۰۰	۱۰۴-م	۱۰۰۰۰	۲۵۶-س
۵۵۰۰	۵۵۰	۱۵۰۰۰	۸۱۳-ر	۱۰۰۰۰	۳۵۷-م
۵۵۰۰	۵۵۰	۵۲۵۰۰	۱۶۱-ر	۱۰۰۰	۶۱۷-م
۲۰۰۰	۲۰۰-ک	۲۱۲۰۱	۵۵۵-ن	۱۵۵۵۱	۳۲۱۹-م
۵۰۰۰	۵۰۰-ب	۱۰۰۰۰	۳۱۱-م	۳۰۰۰	الف-۷۹۰
۲۵۰۰	۱۲۵-ر	۵۰۰۰	۸۸۸-ز	۵۰۰۰	د-۱۰۰۰
۲۰۰۰	۲۱۱۱-ب	۲۰۰۰	۷۹۷-ن	۲۰۰۰۰	۴۱۲۱۵
۱۵۰۰۰	۳۰۹-ق	۵۰۰۰	۷۹۲-و	۵۰۰۰	۲۶۳۰
۴۰۰۰	۷۱۲۷-ب	۱۳۰۰۰	۲۱۹-ج	۴۰۰۰	۲۵۵۷
۱۵۰۰۰	۱۰۷	۱۰۰۰۰	۳۳۸	۳۵۰۰	۱۳۳۷
۲۰۰۰۰	۲۲	۵۱۲۰	۹۹۹-م	۱۵۰۰۰	۱۸۷-ع
۱۵۰۰۰	۱۱۷	۱۰۰۰	۹۸۰-ب	۴۰۰۰	۱۲۲-ه
		۲۰۰۰۰	۲۳۰-س	۷۰۰۰	۱۲۲-س



فدائی شهید رفیق مسرور فرزند حسن محمودپیان

در دی ماه ۱۳۵۰ روزنامه ها اعلام کردند که سه تن از دانشجویان دانشگاه شیراز حین ساختن بمبی در خوابگاه دانشگاه به سبب انفجار بمب کشته شدند. و به این طریق درگیری طولانی که به شهادت این رفقا انجامید و هجوم پلیس به خوابگاه را در پی داشت مسکوت گذاشته شد. این رفقا عبارت بودند از مرتضی حاج شفیعی ها، حسن محمودپیان و احمدی.

فدائی شهید رفیق حسین محمودپیان

در سال ۱۳۲۷ در شهرک "اوز" در یک خانواده متوسط به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهرهای اوز، بندر لنگه و شیراز به پایان رسانید و وارد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز شد. در ادامه فعالیت های سیاسی اثن در ۶ دی ماه سال ۵۰

همراه با دو رفیق هم رزمیش احمدی و حاج شفیعیها در نبرد با مزدوران ساواک به شهادت رسید. اما رژیم علت شهادت آنان را انفجار بمب در حین ساختن قلمداد کرد که دروغ محسوب می شود. خاطرهای گرامی می داریم.

چریک فدائی شهید حسن نوروزی

در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده کارگری در محله راه آهن تهران متولد شد. پس از از کارگران مبارزی بود که پس از مدتی مبارزه با رضاخان در گروه های ضد دیکتاتوری، به

به مناسبت دوازدهمین سالروز شهادت تختی.

مردم در تظاهرات هفتم و چهارم تختی فریاد می زدند:

« زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته »

غلامرضا تختی در سال ۱۳۰۹ آغاز با درد و رنج زحمتکشان آشنا شد. کشتی را از آشگاه پولاد در خاس آباد متولد شد، از همان کشت و همواره قلمش برای آنان آغاز کرد و ۲۳ ساله بود که بمب قند در ۲۳ سالگی.



توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان جریکهای فدایی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.

کمکهای مالی خود را از هر طریق که می شناسد و مطمئن است دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمونه هایی دیده اند ما مست که عده ای با مقاصد مختلف، با استغاف نام سازمان به جمع آوری کمکهای مالی مبادرت کرده اند، به دوستان و رفقای توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمکهایشان توسط سازمان به رابطه دریافت کننده پول، یک عدد سه رقمی هم که می باشد انتخاب کرده اند، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.

حاره از کد و حرف اول نام شماره همراه با نام علمی کسی که بود جمعاً در سوره "کار" به چاپ می رسد. باین ترتیب، با اطمینان، خواهی یافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است. لازم به ذکر است که رابطه هیچ وجه نباید به یک رابطه شخصی تلقی گردد.

ما ز هم مبدان مبارز می خواهیم مادقت کافی نیست به این مسئله مانع از رسیدن آنها به سواد و اعتماد مردم نگردد.

پیش بسوی بسکیل حزب طبقه کارگر

عزیز بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کار

ویژه افشای سرمایه داران لیبرال
دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا
یکشنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۸

کارگران و زحمتکشان
برای احشاء و طرد سرمایه داران لیبرال و
بشرد مرازه ضد امپریالیسم - دعوت گرانگ
متحد شوید

۴ صفحه - ۵ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - ضمیمه کار شماره ۴۱

آیت الله شریعتمداری کیست؟ و چه می خواهد؟

خلق ما آیت الله شریعتمداری را هرگز دست خود بشمارد و با او رده است

حزب جمهوری خلق مسلمانان نشانده امپریالیسم آمریکا و مورد حمایت فعال
آیت الله شریعتمداری است

روزهایی که همه مردم ایران برای نابودی شاه و برای بیرون راندن امپریالیسم آمریکا از ایران نبودند، آیت الله شریعتمداری و سایر طرفداران سرمایه داری و آنسه علیه مردم بوطئه می کردند. ما همراه این سند بخشی از اسنادی را به چاپ رسانده ایم که اخیر به دست ما آمده و نشان می دهد که مقدمه مرعای ماورزنگ آیت الله شریعتمداری جاسوس آمریکا است و در ضمن نشان می دهد که مقدم مرعای رابط جاسوسان سازمان سیا با حزب جمهوری خلق مسلمانان است.

اسناد اخیر ثابت می کند که همه سرمایه داران لیبرال از جمله حزب جمهوری خلق مسلمان، با امپریالیسم آمریکا در ارتباط بوده و بخصوص برای بوطئه و اقداماتی که هم اکنون مرتکب می شوند، از جمله پیش خود را آماده می گردانند.

اسناد زیر تنها بخش کوچکی از اسنادی است که بوطئهای سرمایه داران لیبرال علیه خلقهای ایران و روابط مسلمانان امپریالیسم آمریکا بر ملا می کند. ما در آینده اسناد بیشتری را در نگاه جلوه های فهرمان میهنی افشاء خواهیم کرد.

حاصل کنند اشان هم مخالف است و سه حرفی کوی دهندها میسر شوند حلقوی مبارزات مردم را بکند.

سائراین نحی ندارد اگر امروز، آیت الله شریعتمداری همراه با منسی سرمایه دار طرفدار آمریکا که س و رور سا دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا است، در میان مردم رجمکسا قبول بوطئه علیه مردم رجمکسا هستند. حزب جمهوری خلق مسلمانان را سانس کرده و می خواهد با کتسادن مردم به دنبال این حزب متافسح سرمایه داران را حفظ کند و جلوی مسارزه مردم را با امپریالیسم آمریکا سرمایه داران و آنسه به آن بکند.

اس اسناد برای آگاهی خلقهای ایران به سوره خلق میهران آذربایجان که در مبارزات گذشته بر جمدار مسارزه ای فیرمانانه علیه رزم شاه و امپریالیسم آمریکا بوده و هم اسنک نیز در مسارزه امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران لیبرال فعاله شرکت دارد. درخور اهمیت فراوان است. این اسناد نشان می دهد که سرمایه داران لیبرال و آیت الله شریعتمداری که جزو آنسه است تا چه حد با هدفهای عادلانه خلق میهران در آذربایجان که برای سرکونی رژیم شاه و نابودی سلسله پادشاهی امپریالیسم ایران است، در میان مردم و مبارزاتی درخشان کرده است. دشمن هستند و چگونه در

ما برای روس بدن حفاص، اسنادی که از طریق ساواک برای سرمایه داران تهیه شده در آن بخواب آیت الله شریعتمداری را راجع به مبارزات مردم و راجع به رزم به شاه مسن می کرده است. در اینجا به حجاب رسانده ایم.

اس اسناد نشان می دهد که آیت الله شریعتمداری بر مصلحت سران جدید طلشی و نهضت آزادی و امالیتم، تا آخری لحظه با حکومت شاه در ارتباط بر دگ بوده و می کوسنده است رزم سلطنت را حفظ کند. این سند به خوبی نشان می دهد که آیت الله شریعتمداری جمدار سا مبارزات مردم مخالف بوده و می کوسند. سا بخات رزم شاه ممانع خود و سانس سرمایه داران را از خطر حجاب دهد.

آیت الله شریعتمداری خلاصه سلسله دارد ممانع سرمایه داران لیبرال، اسانس شرکای امپریالیسم را حفظ کند. او خود جزو این سرمایه داران است.

اسناد زیر نشان می دهد که آیت الله شریعتمداری حتی س از ۱۷ - رور سر که شاه هزاران س از مردم را به سناست رسانده و همه مردم ایران کتار به ساری سرکونی رزم سلطنت به سناست و دسد. هنوز اسناد و سناست که رزم سلطنت را حفظ کند. اسناد زیر ثابت می کند که آیت الله شریعتمداری کاهی از رزم استعادی می گردید. برای آن بوده که مردم

هواداران سازمان باید با تمام قوا توطئه های حزب جمهوری خلق مسلمان را خاموش سازند.

بر عهده هواداران سازمان و دیگر نیروهای انقلابی آذربایجان است که مردم ناآگاه را از شرکات در نظاهرات و راهبیمائی که توسط حزب جمهوری خلق مسلمان تدارک دسد می شود، منع کنند، و چنانچه ایادی این حزب خواسته باشند در شهر تشنج و درگیری ایجاد نمایند، همراه و همپای مردم این توطئه را با تمام قوا و قدرت خود خاموش سازند.

گودتا، هدف مشترک امپریالیسم آمریکا، سران ارتش و آیت الله شریعتمداری است

آیت الله شریعتمداری اخیرا به طرفداران خود گفته است: "تدارکی ببینید برای وقتی که اینها رفتند، باید یک قدرت ارتقی زمام امور را به دست بگیرد."

تحریکات و توطئه های که از جانب محافظ وابسته به آیت الله شریعتمداری تدارک دیده شده است و اکنون روز به روز به نحو جدی تری پیروزی به دست آمده در قیام راتهدید می کند. از چند ماه پیش به این سو منظم تعقیب شده است. در این توطئه ها از یک سو سفارت آمریکا و پس از برچیده شدن بساط آن، ایادی پنهان و نگار آن دست دارند و از سوی دیگر حزب جمهوری خلق مسلمان، نهضت رادیکال، حزب ایران (حزب شاپور بختیار) به علاوه سران جنایتکار ارتش و در رأس آنان، محمد حسین شاکر، فلاخی، سهد احمد مدنی که اخیرا با بسیج مسلحانه ایل بختیاری (ایل تیمور و شاپور بختیار)

تعرض نوینی را آغاز کرده اند. مروری سر اسناد جاسوسی رحمت الله مرعای (نوجه علی امینی) و صحبت های آیت الله شریعتمداری با عده ای از دوستان در روز شانزدهم آذرماه در قم (۲۰ روز پس از کشته شدن یک پاسدار منزل ایشان) به بهترین وجه تکیون نقشه های راکه وقایع - س چند روز اخیر تبریز انجامیده، بازگسو می کند و نشان می دهد که چه خطرناک بزرگی دستاوردهای قیام شکوهمند خلق را در آستانه اولین سالگرد آن در معرض خطرات جدی از جانب دوستداران شاه قرار داده است.

ما گوشای از این اسناد را که ما هب ایل بختیاری (ایل تیمور و شاپور بختیار) بقیه در صفحه ۴

آیت الله شریعتمداری یک سرمایه دار است!

طبقه سرمایه دار ایران، اکنون همراه با استثمار طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش میهن ما، سعی بر آن دارد که با عوارفیمی پرده ساتر بر این روابط استثمارگرانه انداخته و با چهره دروغین آزادیخواهی سعی در سرکوب و به انحراف کشاندن مبارزات خلقهای قهرمان ایران دارد.

ما همراه این گزارش سندی را به چاپ رسانده ایم که نشان می دهد آیت الله شریعتمداری یک نمونه از طبقه سرمایه دار ایران است. در صفحه ۳

طرح تماس آمریکا و آیت الله شریعتمداری

سرمایه داران لیبرال علیه مبارزات مردم ما بسیج شده اند. در صفحه ۳

اسناد زیر در جریان قیام بهمن ماه و تخیر مراکز ساواک به دست نیروهای انقلابی افشاء است
اسناد زیر روابط آیت الله شریعتمداری را با رژیم شاه توضیح می دهد

اعلیحضرت اطمینان داشته باشد همان مشکلتانی که امروز اشان داریم ما هم داریم من آرزودارم که اعلیحضرت در مقابل این مشکلات تحمل و کیناشی بشیری داشته باشد تا مشکلات بروقی مراد ایشان و در جهت مصلحت مملکت حل شود. چند روز قبل که نمایندگان اعلیحضرت ملک حسن با من ملاقات داشتند، به من گفتند که در مقابل اعلیحضرت کوناه بیا، من صریحا به آنها گفتم تمام تلاش من برای حفظ مقام سلطنت است و از آنها خواستم که به ملک حسن پیغام مراهبند و بگویند که ملک حسن به شاهنشاه ماقوت قلب بدهند که در مقابل مشکلات مملکتی استعفاست. دربار شاه ایران فکر می کنند.

بیشری داشته باشند و برای آنکه حرمی هم رده نام کم کم که از اعلیحضرت بخواهند که در انجام اصلاحات سرعت بیشتری به جرح دهند.

یکی از پایگاههای مخالفت با رژیم سلطنتی ایران، نجف است که من صد درصد با این پایگاه مخالفت می کنم. من برای حفظ مملکت، دیانت و سلطنت فکر می کنم. من برای حفظ تاج و تخت و رژیم منکی به قانون اساسی شده ام و راه میانسه را انتخاب کرده ام.

این راهی است که هم به نفع اعلیحضرت است و هم به نفع من و هم به نفع دستجاتی که مسترشان نام یکی است و مانند من دربار شاه ایران فکر می کنند.

این راهی که من میروم به آن علت است که ابتکار عمل به دست تندروها نرفتد. اگر مرا در مسیر کاملا موافق احساس کنند، دیگر نمی توانم مانند سدی در مقابل تندروها عمل کنم. من باید ترتیبی بدهم که مرا قبول کنند و به همین جهت است که برای جلب گروهها و افکار عمومی در داخل و خارج از کشور میاندازم، چه اگر چنین نمی کردم وضعیت تندروها به جایی می رسید که مملکت را از بین می برد.

من به آن جهت به قانون اساسی تکیه می کنم که بتوانم دربار شاه حفظ تاج و تخت و مملکت بهتر تلاش کنم و بیشتر موفق باشم...

بقیه اسناد در صفحه ۲

در پیشگاه خلق افشاء کنیم

اسناد زید و جریان قیام بهمن ماه و تسخیر مراکز ساواک به دست نیروهای انقلابی افتاده است اسناد زیر روابط آیت الله شریعتمداری را با رژیم شاه توضیح می‌دهد

آیت الله شریعتمداری ظلم رژیم سلطنتی را بهر از عدل آتشی که با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا مبارزه کرده‌اند، می‌داند.

من مایل آنرا هستی که تمام مردم در جهت فرار گریزند و مانند اجداد ما مبارزه کنند. با رژیم سلطنتی و امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند. با رژیم سلطنتی و امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند. با رژیم سلطنتی و امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

جلد بولتنی که ساواک برای شاه تنظیم می‌کرده و گفته‌های آیت الله شریعتمداری را در آن به چاپ رسانده است:

۱

شهرت ...
تاریخ ...

اسناد زیر ثابت می‌کنند که آیت الله شریعتمداری قصد داشته است هر طوری شده جلوی مبارزات مردم را بگیرد و رژیم سلطنتی را حفظ کند، او می‌گوید که به همین منظور باید ابتدا نااندامی خود را با مردم هم‌فکر و همگام نشان دهد تا مردم به ما اعتماد کنند و بعد که از حمایت عدلهای از مردم مطمئن شدیم، علنا جلوی کسانی را که می‌خواهند رژیم سلطنتی را سرنگون کنند، بگیریم و ممانع سرمایه‌داران را حفظ کنیم. همین هدف را امروز آیت الله شریعتمداری و دیگر سرمایه‌داران با همراهی انداختن حزب جمهوری خلق مسلمان دنبال می‌کنند.

وقایع اخیر تبریز و قم که توسط حزب جمهوری خلق مسلمان و به منظور به انحراف کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی بوجود آمده‌است، خود بهترین دلیل این واقعیت است.

... من مایل آنرا هستی که تمام مردم در جهت فرار گریزند و مانند اجداد ما مبارزه کنند. با رژیم سلطنتی و امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند. با رژیم سلطنتی و امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند. با رژیم سلطنتی و امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

این راهی است که هم به هم اعتماد داشته‌اند و هم به هم اعتماد داشته‌اند. این راهی است که هم به هم اعتماد داشته‌اند و هم به هم اعتماد داشته‌اند. این راهی است که هم به هم اعتماد داشته‌اند و هم به هم اعتماد داشته‌اند.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

کوشش در جهت متحد کردن نیروهای موافق رژیم سلطنتی

... اشخاصی که شجاعت داشته باشند که در مقابل خمینی و طرفداران او بایستند تعدادشان کم است. در این چند سال نحوه رفتار طرفداران او به صورتی بود که شجاعت اکثر کسانی که جهت فکری آنها با من یکی است، یعنی رژیم سلطنتی موافقت داشتند ترسیده‌اند. تشکیلی هم بهین آنها وجود ندارد و لذا نگرانند. باید ترتیبی فراهم آید و زمینه طوری مساعد گردد که کم‌کم بتدریج ترس آنها کم بشود و بین آنان تشکیلی به وجود آید تا بتوانند به طور متحد در مقابل نجف بایستند.

آیت الله شریعتمداری برای حفظ منافع سرمایه‌داران با حکومت نظامی که هزاران تن از مردم مبارز ما را به سبادت رساند، موافق بود و از آن حمایت می‌کرد.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

این روش میانه‌روی من سبب خواهد شد که آنها به سمت من روی بیاورند و بتدریج این برنامه را در مسیر ایجاد تشکیلی و به دست آوردن قدرت بیشتر برای مبارزه نتایجیم.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

توطئه برای ایجاد تفاهت بین مخالفین رژیم سلطنتی

... چه خوب است این مسائل را دولت نه بکار، بلکه چندبار به صورت‌های مختلف برای مردم شرح بکند. این کمک موثری می‌کند در اینکه مردم به مردم نشان داده شود، چه خطراتی متوجه آنها و مملکت است. در این حالت مسئله جد کردن و ایجاد تفاهت بین مخالفین عملی می‌شود و آنسوقت می‌شود آنها را متشکل کرد و علیه خمینی و تحریکات او زمینه‌های عملی را آغاز نمود.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

آیت الله شریعتمداری حتی با آزادی زندانیان سیاسی رژیم شاه هم مخالف بوده است.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

چه خوب است این مسائل را دولت نه بکار، بلکه چندبار به صورت‌های مختلف برای مردم شرح بکند. این کمک موثری می‌کند در اینکه مردم به مردم نشان داده شود، چه خطراتی متوجه آنها و مملکت است. در این حالت مسئله جد کردن و ایجاد تفاهت بین مخالفین عملی می‌شود و آنسوقت می‌شود آنها را متشکل کرد و علیه خمینی و تحریکات او زمینه‌های عملی را آغاز نمود.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

این روش میانه‌روی من سبب خواهد شد که آنها به سمت من روی بیاورند و بتدریج این برنامه را در مسیر ایجاد تشکیلی و به دست آوردن قدرت بیشتر برای مبارزه نتایجیم.

... ماهه ... در وقت ... وجود ... آیت الله ... شریعتمداری ...

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

آیت‌الله شریعتمداری یک سرمایه‌دار است!

سند زیر آیت‌الله شریعتمداری را یک سرمایه‌دار معرفی می‌کند:

شرکت تولیدی سبک با سرمایه ۳۰۰ میلیون ریال، تنها یکی از شرکت‌هایی است که آیت‌الله شریعتمداری در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

سهم‌الشرکه آیت‌الله شریعتمداری در این شرکت ۹۰ میلیون ریال است! (۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال)

کارگران و دهقانان زحمتکش در تمام طول عمر خود، این حقیقت را تجربه کرده‌اند که چگونه سرمایه‌داران وقتی که منافع خود را در خطر می‌بینند، وقتی که مبارزات کارگران و دهقانان تا بدان پایه می‌رسد که اساس حکومت طبقه سرمایه‌دار را به مخاطره اندازد، دیگر سرمایه‌داران آرام نخواهند نشست، آنها به هر توطئه‌ای برای شکست مبارزات کارگران متوسل

خواهند شد، آنها آزاد می‌خواهند می‌شوند و سنگ آزادی را به سینه می‌زنند و در همان حال به سراغ ارتش می‌روند و زمین‌ها کودتایی خونین را فراهم می‌کنند، اوباش را به خیابان می‌ریزند و باج‌خواهی می‌کنند، در عین حال پشت پرده بسا اربابان امریکائی به دسپه جیبی می‌نشینند.

سفرهای رنگین و چهره کلگون طبقه سرمایه‌دار ایران، نمره کار و رنج طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش میهن ما است، زحمتکشان دوستان واقعی خود را تشخیص می‌دهند و دیگر اجازه نمی‌دهند بساط بهره‌کشی، فقر و گرسنگی، ظلم و بی‌خانمانی همچنان پابرجا بماند.

سرمایه‌دار دشمن طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش است.



نموداری از شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا در ایران

سرمایه‌داران لبرال علیه مبارزات مردم ما بسیج شده‌اند

روز جمعه ۱۲ دی ماه، به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بیش از یکصد هزار تن در میهنی که برای افشای محافل و احزاب سرمایه‌داران لبرال در دانشگاه پلی‌تکنیک برگزار شد، شرکت کردند.

در این مناسبت پس از افشای روابط مقدم برافقهای با دو جاسوس سازمان سیا و روابطی که مراعاتی با محافل و احزاب و شخصیت‌های لبرال داشته است، مقاله‌ای خوانده شد که ما در اینجا بخشی از این مقاله را آورده‌ایم. (حرف‌های برگزیده این مناسبت را در "کار" شماره ۴۱ می‌خوانند.)

سرمایه‌داران لبرال پس از قیام به قدرت می‌جریند، ماه‌ها می‌کوشند سبک خروشان بوده‌های زحمتکش میهن مبارزات و شوراها را کارگران، دهقانان و نظامیان را منلاشی سازند، مردم را از دخالت در امور بازدارند و از لاله‌های خون شهیدان خلق سمدیده ما، بساری حناسکاران و جاسوسان امریکائوسی دسته‌های گل به پایوس بریند و در ازای سهمی از اسبمار و غارت خلق‌های ایران سرباز خون ده‌هزار شهید خلق را به پای امپریالیسم امریکا بریزند.

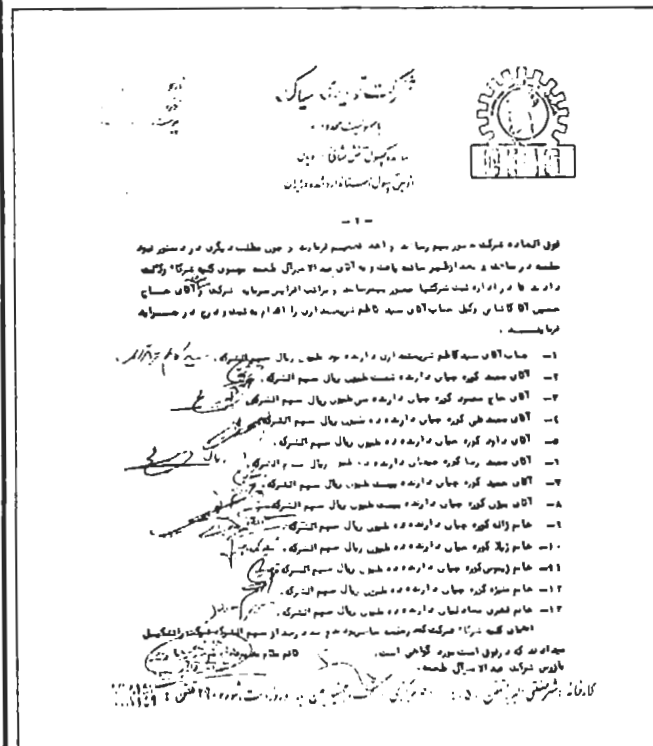
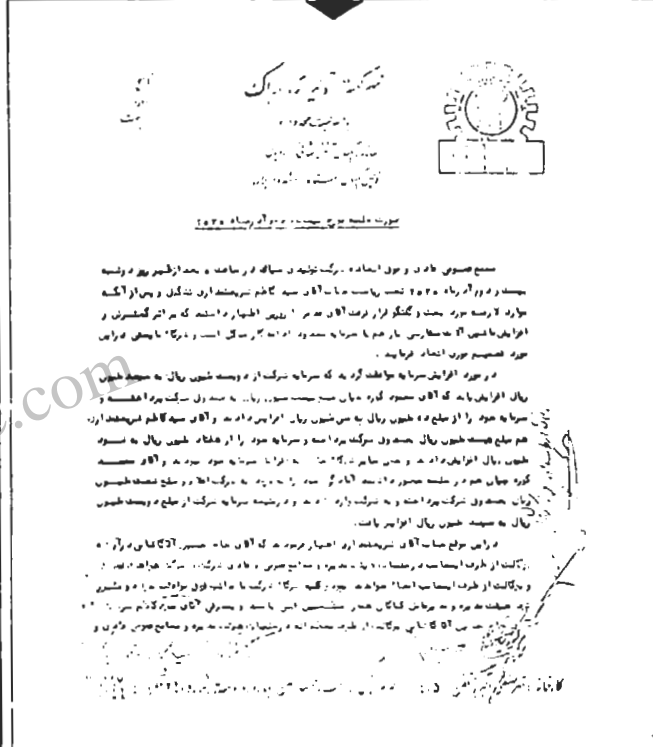
اما خلق قهرمان ما که بنحدر در پنجه غول سارخ و بوکران داخلی آن انداخته است، از مبارزه دست‌بردار نیست، سدی که امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران لبرال پس از قیام با آن همه مهارت، دقت و سرعت در برابر سبک جنبش توده‌ها بنا کرده بودند، با ضربات پیاپی و نیرومند خلق‌های قهرمان ایران، سرک می‌خورد و با تاختیر مرکز جاسوسی امریکا فرو می‌ریزد و سبک خروشان جنبش توده‌های در دشت‌های بیگران ایران جاری می‌شود تا لاله‌های خون شهیدان را

آبشاری کند و بارور سازد، به محض سقوط دولت بازرگان کسبه نتیجه اوج‌گیری مبارزات توده‌هاست، احزاب و محافل سراسیمه و خشکسب سرمایه‌داران لبرال که برای تحکیم سلطه خود و طرد کامل آیت‌الله خمینی و طرفداران او از قدرت نقشه‌ها کشیده بودند، بسیج می‌شوند.

حزب جمهوری خلق مسلمان کسبه ماهیهاست با بهره‌برداری از گرایش‌های ضد دمکراتیک حاکمیت‌خود را دلسوز توده‌ها و آزادیخواه جا زده‌است، می‌کوشد از قدرت توده‌ها، علیه توده‌ها بهره‌برداری کند و زیر پوشش آزادیخواهی مردم را به دنبال خودکشاند و مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق را علیه امپریالیسم امریکا منحرف سازد، امپریالیسم امریکا ضمن پشتیبانی کامل از محافل و احزاب سرمایه‌داران لبرال، خلق ایران را به تهاجم نظامی و تحریم اقتصادی تهدید می‌کند، محافل وابستو جنایتکار درون ارتش، آشکار و پنهان به حمایت از لبرال‌ها برمی‌خیزند، فتوادل‌ها و خوانین مرتجع در عمان با

بختیار به مشاوره می‌نشینند و متعاقب آن فتوادل‌هایی که از ماه‌ها پیش توسط باند چمران و حمایت فعال بازرگان و شرکا، صلح شده‌اند، در سیستان و بلوچستان، فارس و سایر نقاط ایران به جنگ دهقانان زحمتکش ما می‌آیند. بازرگان و شرکا، علیه افشای‌های "دانشجویان مسلمان به‌روخط امام" اعلام جرم می‌کنند، عناصر لبرالیست‌درون مطبوعات و رادیو-تلویزیون به حمایت از بازرگان و شرکا، برمی‌خیزند و شورای انقلاب فرصت را غنیمت شمرده و برای کنترل دانشجویان بسیج می‌شود و در این گیر و دار امپریالیسم امریکا و مطبوعات غربی می‌کوشند با حمایت از فتوادل‌های افغانستان، مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن ما را منحرف کنند و شورای انقلاب نیز تحریف حوادث اخیر افغانستان را به عنوان وسیله‌ای برای به انحراف کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما بکار می‌گیرد و بدین وسیله می‌کوشد امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران لبرال را از زیر ضربات توده‌های مردم نجات دهد.

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه‌داران لبرال



بقیه از صفحه ۱

طرح تماس آمریکا و آیت الله شریعتمداری

در اواسط مهرماه اسام امپریالیسم امریکا در پی نامیدی از برقراری رابطه با آیت الله خمینی، سراغ آیت الله شریعتمداری می‌رود که از دیرباز مورد اعتماد انحصارات امریکائی و رژیم جنایتکار شاه بوده است.

طبق یادداشت‌های تقویم فراغهای که انتشار داده‌ام، (سند شماره ۸) "نوم" جاسوس امریکائی، روز ۱۵ مهر از مراغهای می‌برد:

"اگر با شریعتمداری تماس بگیریم، خمینی اطلاع پیدا کند، برای ما سود نمی‌شود؟"

مراغه ای توصیه می‌کند:

"اگر قبل از خمینی او را ببینند، البته ضرر دارد."

مراغهای در آخرین تماس‌هایش با "پرست" جاسوس امریکائی می‌گوید:

"به هر ترتیبی هست، با امام کنسار بپاشید. این تنها توصیه من است. او اهلپناهه فکرمی کند تنها راه نفوذ و خراب شود!"

تحکیم سلطه امریکا تماس با آیت الله خمینی است.

اما اگر امریکا که جواس جمع‌سوار مراغهای است، از تریبخش بودن کوشش برای تماس مستقیم با آیت الله خمینی ناامید شده است، چنین کاری را امکان پذیر و مفید نمی‌داند و فکرمی‌کند چنانچه به این کار اقدام شود، مورد بهره‌برداری تبلیغاتی مردم قرار می‌گیرد.

نقشه امریکا چیز دیگری است، امریکا ضمن اینکه مطابق سند افشاکسری "دانشجویان مسلمان پیروخط امام" توصیه مراغهای برای کوشش در جهت برقراری رابطه با آیت الله خمینی را نهواشمکن گزارش کرده است، ولی مطابق سند شماره ۸ امید زیادی به تریبخش بودن آن ندارد.

لذا بی آنکه فرصت را از دست بدهد، می‌کوشد با آیت الله شریعتمداری رابطه مستقیم برقرار کند، اما فقط بیم دارد که به کوس آیت الله خمینی برسد و کسار خراب شود!

گودتا،

هدف مشترک امپریالیسم امریکا، سران ارتش و ...

آری، آیت الله شریعتمداری آشکارا در فکر کودتا است و در این راه در "فکر یک قدرت ارتشی است که بتواند بلافاصله زمام امور را در دست گیرد."

آمریکا برای کودتا روی آیت الله شریعتمداری و طرفداران او حساب می‌کند

تا کی باید به انتظار شکل گیری این توطئه‌ها نشست؟ مردم دیگر حرف دفتر امام خمینی را که در برابر این توطئه شوم تنها طی اعلامیه این را "سوء تفاهم" می‌نمایند، باور نمی‌کنند.

خبر این توطئه‌ها سوء تفاهم نیست، نقشه‌های سرمایه‌داران وابستگاست که به

اکنون نوحه کنید که روز ۱۷ شهریور "نوم" جاسوس امریکائی از مراغهای چه می‌پرسد؟

"وضع ارتش چیست؟ آیا در ارتش کسانی هستند که با نظرات مذهبی ملایم‌تر مثل شریعتمداری موافق باشند؟"

مراغهای: "من از ارتش اطلاع زیادی

این آیت الله را افشا می‌کند در اینجا نقل می‌کنم.

روز ۲۱ مرداد آیت الله شریعتمداری به مراغهای می‌گوید:

"تنها آذربایجان که نسبت بگذارید سیستم دیگران نمی‌کنند. فارس و خراسان هم ناراضی هستند. آیت الله خمینی سحت حمله کرده است."

این گفتگو نشان می‌دهد که شریعتمداری در مردادماه در این فکر است که با دیگر روحانیوں که نظرات اشان را تأیید می‌کنند، تماس بگیرد و با آنها برای نحوه اجرای نقشه‌هایی که هدف آن بازگرداندن اوضاع به حال سابق است، قول و قرارهای لازم را بگذارد.

گفتگوی "نوم" جاسوس سا و مدمم مراغهای

روز ۲۶ مهر "نوم" برای مراغهای نقل می‌کند:

"در مورد حجتار از پهران نهواشمکن گزارش کردم که اگر سفارت امریکا در بارس یا هر جای دیگر بخواهد با حجتار تماس داشته باشد، محاربات حرف‌های مخالفان را نشود."

مراغهای از او می‌پرسد:

"در مورد ارتباط شریعتمداری و حجتار منبع شما چیست؟"

نوم مراغهای را سری دولت وی می‌گوید:

"طرفداران حجتار این مطلب را برانگیزه می‌کنند."

این سند نشان می‌دهد که: آیت الله شریعتمداری مشخصاً قصد داشته‌است از حدود اوایل دی ماه تعرض خود را آغاز کند.

اجرا در می‌آید.

تحرکات و توطئه‌ها مریخ‌ترو آشکارتر از آن است که بتوان آن را "سوء تفاهم" و "بی‌توجهی" نامید.

شریعتمداری در هفتم روز ۱۶ آذر می‌گوید:

ندارم. ولی در حال با شریعتمداری می‌توانند نگاه بستری داشته باشند.

این گفتگو نشان می‌دهد امریکا دارد به دقت دنبال طرفداران شریعتمداری در ارس می‌گردد.

"باید واقفا آقاها را که صاحب فکر هستند مشینند. فکر کنید هم برای وضع موجود و هم برای آینده خیلی مهم است که یک قدرت ارتشی برای کارها پیدا شود من می‌دانم تا مدتی همه بهت زده شده بودند و چیزی نمی‌گفتند ولی دیگر دوران این بهت زدگی باید تمام شده باشد."

فعالیت شاکر رئیس سابق سناد ارتش هم حاکی از آن بود که امریکا از یک سو می‌خواهد طرفداران شریعتمداری در ارس بر سر کارها گذاشته شود، تا نسبا می‌خواهد ارس ایران دعوت شود و دوباره بطور کامل به وضع سابق برگردد، حتی "نوم" از اسبق.

آیت الله شریعتمداری خطاب به محافل سرمایه‌داران لبرال می‌گوید:

"تالاکره من تصور نمی‌کنم آنها بتوانند زیاد دوام بیاورند، تدارکسی بسند برای وقتی که آنها رفتند برنامه کار لازم است و همراه با یک کساد اساسی معلوم و یک قدرت ارتش (از همه مهم‌تر) که بتواند بلافاصله زمام امور را در دست گیرد."

هم میهن مبارز!

سرمایه داران لبرال پایگاه امپریالیسم در میهن ما هستند، آنها مدام می‌کوشند از افشای نام دوستان و جاسوسان امریکا جلوگیری کنند.

پاخیزیم، توطئه سرمایه‌داران لبرال را درهم شکنیم و مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقمان را به پیش رانیم.

سپاه پاسداران قم و رادیو تلویزیون، مرز بین نیروهای انقلابی و محافل ضد انقلابی را درهم می‌ریزند

رادیو-تلویزیون پس از حوادث اخیر قم باردیگر کوشید مرز بین نیروهای انقلابی را با نیروهای ضدانقلابی امثال حزب جمهوری خلق مسلمان درهم بریزد و از قول سپاه پاسداران قم اعلام داشت که سازمان‌های چریکهای فدائیی خلق ایران نیز در این حوادث شرکت داشته‌است.

ما، ضمن محکوم کردن اعمال ارتجاعی و ضدانقلابی حزب جمهوری خلق مسلمان و سایر محافل وابسته به سرمایه‌داری لبرال در شهر قم و تبریز دروغ‌پردازی‌های سخگوی سپاه پاسداران قم و رادیو-تلویزیون را محکوم می‌کنیم و اعلام می‌داریم که چنین دروغ‌های عوام‌فریبانه‌ای تنها به سود امپریالیسم امریکا و دشمن خلق ما تمام می‌شود.

ما، تاکنون بارها اعلام کرده‌ایم که حزب جمهوری خلق مسلمان دست در دست امپریالیسم امریکا دارد و دشمن مردم و نیروهای انقلابی است، اما سپاه پاسداران قم و رادیو-تلویزیون که تلاش می‌کنند حزب جمهوری خلق مسلمان را به نیروهای انقلابی بحسانند، عملاً برای حزب جمهوری خلق مسلمان تبلیغ می‌کنند و حیثیت و اعتبار دروغ‌ن برای آن کسب می‌کنند و بدین ترتیب دانشه یا ندانسه، قسمتی از وظایف امپریالیسم امریکا را که کسب حیثیت برای احزاب و محافل سرمایه‌داری لبرال است، انجام می‌دهند.

سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران
سنه ۱۵ دی ماه ۱۳۵۸

اسنادی که ما در دست داریم متأسفانه به شانزدهم آذرماه سال ختم می‌شود.

آیت الله شریعتمداری طرفداران خود را برای کودتا آماده می‌کند

وقایع روزهای اخیر و درگیری‌های خونین تبریز نشان می‌دهد که نقشه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم امریکا بطور جدی و بسیار خطرناک در شرف شکل گیری است. وظیفه همه نیروهای انقلابی، همه مردم مبارز است که با تحکیم صفوف خود، با وحدت و یکپارچگی و با قاطعیت انقلابی هرکجا که ردهائی از این توطئه‌های شوم را دیدند، به مقابله فوری با آن برخیزند.

خواهد موجود به وضوح نشان می‌دهد که آیت الله شریعتمداری اجرای نقشه تقویت ارتش را مشخصاً به عهده گرفته و با باندهای آریامهری درون ارتش تاسیهای مستمر برقرار کرده‌است.

اطهارات اخیر آیت الله شریعتمداری هم موبد این مطلب است، وی روز شانزدهم آذرماه سال جاری در باره موقعیت آیت الله خمینی، خطاب به دوستانش می‌گوید:

"تالاکره من تصور نمی‌کنم اینها بتوانند زیاد دوام بیاورند. تدارکسی ببیند برای وقتی که آنها رفتند برنامه کار لازم است و همراه با یک کادرناسانی معلوم و یک قدرت ارتش (از همه مهم‌تر) که بتواند بلافاصله زمام امور را در دست گیرد."

آیت الله شریعتمداری و طرفداران او از ماه پیش طرح حوادث اخیر را ریخته بودند

دو ماه و نیم بعد یعنی در روز سوم آبان، مراغهای برای "نوم" جاسوس سا نقل می‌کند:

"شریعتمداری می‌گفت که شاید تا دو ماه دیگر بهر عنوان مطالب را گفت. موضوع نابل احساس است که اشان چنین نظری دارند!"

این سند نشان می‌دهد که آیت الله شریعتمداری مسجداً قصد داشته‌است از حدود اوایل دی ماه تعرض خود را آغاز کند. برنامه‌ریزی تمام سرمایه‌داران لبرال که همگی زیر علم آیت الله شریعتمداری سازمان داده شده‌اند، کام به کام پیش می‌رود تا از اواخر آذرماه بطور مشخص تحرکات و توطئه‌ها بوسیله حزب جمهوری خلق مسلمان که مطابق اسناد به دست آمده ارتباط‌های مستقیم و غیرمستقیم با سفارت امریکا داشته‌است، شروع می‌شود.

افشای امریکائی باید ادامه یابد